



# عرصه

روزنامه‌ی اجتماعی و قضایی  
شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۳ • ۲ شعبان ۱۴۴۶ • 1 Février 2025  
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره پانصد و نوزده  
www.asrghanoon.ir

# بریکس؛ خارجشم دلار

هر کشوری از بریکس به جای دلار حمایت کند باید منتظر خدا حافظی با تجارت در اقتصاد شگفت‌انگیز آمریکا باشد

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا نوشت: «ما به تعهد این کشورها نیاز داریم که نه از ارز جدیدی در بریکس ایجاد کنند و نه از ارز دیگری برای چاپگرایی دلار قدرتمند آمریکا استفاده کنند. در غیر این صورت با تعرفه‌های صد درصدی روبرو می‌شویم و باید منتظر باشیم تا با فروشی در اقتصاد شگفت‌انگیز ایالات متحده خدا حافظی کنند. آنها می‌توانند بروند و یک احمق دیگر را پیدا کنند. هیچ شانس وجود ندارد که بریکس چاپگرایی دیگری برای دلار آمریکا در تجارت بین‌المللی پیدا کند و هر کشوری که تلاش کند باید با آمریکا خدا حافظی کند.»



## پدیده‌ی بنام تونل و نسبت آن با محور مقاومت



شاید تنها تونلی باشد که کاملاً علنی شده و در معرض بازدید همگان قرار دارد. شناسنامه دارد و البته متأسفانه حق کپی رایت آن کامل رعایت نشده و آن تونل سارا یوو است.

۲

## درباره پشیمانی کارفرما از مزدورها



گرچه دولت آمریکا گرفتار ضعف جدی اقتصادی شده است، اما اگر مزدورهای ضدایرانی موفق عمل می‌کردند دست حمایت خود را از این رسانه‌ها بر نمی‌داشت. ماجرا اینست که روی دیگر ناکارآمدی ضدانقلاب قدرت و مقاومت مردم ایران است.

۲

## سندرم از وابستگی و احساس صغارت



شاید بتوان یکی از علل اصلی ناکامی بخش بزرگی از ابویسیون جمهوری اسلامی ایران جهت تعامل موفق با جامعه را در قالب یک سندرم فکری احساس صغارت معرفی کرد.

۴

## آتش بعد از پیروزی



انقلابی بودن به صدا را در گلو انداختن پشت میکروفون مجلس و منبر و بیج و کانال و دو قطبی ساختن و تهمت زدن به این و آن نیست. انقلابی بودن به نصرت ولی خدا است به پیش بردن سخن او است.

۴

## ضررهای چند نرخ بودن ارز



امروز یک بازار سیاه برای تراست‌های بانکی پدید آورده‌ایم که هر روز به‌سان قارچ رشد می‌کنند؛ بنابراین نتوانستیم این روند را مهار کرده و با چندنرخ، برای سفره مردم فکری کنیم!

۵

## تندیس فجر، تعهد هنرمند را بیشتر می‌کند



باید با تلاشی مضاعف در مسیر پیشرفت گام بردارم. تندیس فجر، تعهد هنرمند را بیش از پیش افزایش می‌دهد و انگیزه‌های مضاعف برای بهبود و ارتقای سطح کاری ایجاد می‌کند.

۶



## آیه افسانه‌ای غزه

■ **مروری بر مواضع متعدد رهبر انقلاب اسلامی درباره‌ی حتمی بودن پیروزی مقاومت فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی بر اساس صدق وعده الهی**

رهبر معظم انقلاب اسلامی، هفته‌ی گذشته در پایان بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی بخش خصوصی، اشاره‌ای به موضوع غزه کردند و در این رابطه فرمودند: «گفتیم مقاومت زنده است و زنده خواهد ماند؛ غزه پیروز شد. مقاومت نشان داد که زنده خواهد ماند. آنچه در مقابل چشم دنیا دارد اتفاق می‌افتد، شبیه افسانه است... آمریکا همه‌ی امکاناتش را به رژیم صهیونی داد — که اگر نمی‌داد، رژیم صهیونی در همان هفته‌های اول به زانو درمی‌آمد — اینها هم یک سال و سه ماه هر چه توانستند جنایت کردند؛ بیمارستان، مسجد، کلیسا، خانه، بازار، محل اجتماعات، هر جا دستشان رسید را زدند؛ در کجا؟ در یک قطعه زمین کوچک مثل غزه؛ در یک قطعه زمین کوچک مثل غزه؛ هر چه توانستند جنایت کردند؛ هدفی هم معین کردند؛ آن رئیس رژیم صهیونی — آن روسیاه بدبخت — گفت که می‌خواهیم حماس را نابود کنیم و باید نابود بشود؛ و اینها حتی نقشه‌ی اداری بعد از جنگ غزه را هم کشیدند! تا این حد مطمئن بودند. حالا همان رژیم صهیونی ظالم و سفاک آمده با همان حماس که می‌خواست نابودش کند، سر میز مذاکره نشسته و شرایط او را قبول کرده برای اینکه آتش‌بس تحقق پیدا کند؛ یعنی آنچه اتفاق می‌افتد، این است. اینکه می‌گوییم مقاومت زنده است یعنی این. اینکه می‌گوییم "و لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا الْأَدْبَارُ لَمْ لَا يَجِدُونَ وَايَةً وَلَا نَصِيرًا" یعنی این. فقط مال آن زمان هم نیست، چون بعدش می‌گوید: سُبْحَانَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ این سنت الهی است؛ باید اینها پیروز می‌شدند و شدند. هر جا از طرف بندگان خوب خدا مقاومت باشد، پیروزی در آنجا حتمی است.»

### ■ بشارت مکرر

همان‌طور که رهبر انقلاب خود اشاره کردند، ایشان پیش از این نیز پیش‌بینی خود را درباره‌ی نتیجه‌ی جنگ غزه مبنی بر پیروزی مقاومت، بارها به‌صراحت اعلام کرده بودند؛ برخی از این اعلام‌نظرها به این شرح است:

«در غزه این‌همه آدم کشتند، تانک آمد، توپ آمد، بمب آمد، مسلسل آمد، ریزپرنده آمد، عنصری را به شهادت رساندند اما نهضت را نتوانستند از بین ببرند... مقاومت زنده است و باید زنده بماند و باید روزبه‌روز قوی‌تر بشود و ما از مقاومت حمایت می‌کنیم.» ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

«دشمن در طول این سال‌ها، با این‌همه سرمایه‌گذاری‌ای که کرده و هزینه‌ای که متحمل شده، نتوانسته پرچم مقاومت را پایین بکشد؛ چه در لبنان، چه در فلسطین، چه در سوریه، چه در عراق و چه در ایران؛ نتوانسته و نخواهد توانست.» ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

«عصر صهیونی تظاهر به پیروزی می‌کند، چهره‌ی آدم‌های پیروز را به خودش می‌گیرد و می‌آید حرف‌های گراف می‌زند و رجزخوانی می‌کند. بدبخت! شما کجا پیروز شدید؟ در غزه پیروز شدید؟ آدم، چهل و چند هزار نفر زن و بچه و کودک را با بمب بکشد و نتواند یک دانه از مقاصدش را که اول اعلام کرده، تحقق ببخشد، پیروز است؟ شما حماس را نابود کردید؟ ... مقاومت فلسطین زنده است، حماس زنده است، جهاد زنده است؛ شما پیروز نیستید، شما شکست خورده‌اید.» ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

«در منطقه با این حرکتی که در سوریه انجام گرفت و با جنایت‌هایی که رژیم صهیونیستی دارد انجام می‌دهد و جنایت‌هایی که آمریکا دارد انجام می‌دهد و کمک‌هایی که بعضی دیگر به اینها می‌کنند، خیال کردند که قضیه‌ی مقاومت تمام شد؛ اینها سخت در اشتباهند.» ۱۴۰۳/۹/۲۷

«البته رژیم صهیونیستی جنایت هم می‌کند، اما جنایت کسی را پیروز نمی‌کند؛ نه جنایت رژیم صهیونیستی در لبنان، نه جنایتش در غزه، نه در ساحل غربی که گروه‌های فلسطینی آنجا مشغول مبارزه هستند؛ جنایت‌های زیادی آنجا می‌کنند، اما جنایت هیچ‌کس را پیروز نمی‌کند. این سنت الهی است و امروز این تجربه‌ی تاریخی در غزه و در لبنان، در مقابل چشم ما دارد اتفاق می‌افتد.» ۱۴۰۳/۹/۲۱

«بمباران خانه‌های مردم پیروزی نیست؛ احق‌ها خیال نکنند چون خانه‌ی مردم را بمباران می‌کنند، چون بیمارستان را بمباران می‌کنند، چون اجتماعات مردم را بمباران می‌کنند، پس پیروز شدند؛ نه، هیچ‌کس در دنیا، این را پیروزی نمی‌داند؛ اینها

پیروزی نیست. دشمن در غزه پیروز نشده، دشمن در لبنان پیروز نشده؛ دشمن در غزه و لبنان پیروز نخواهد شد... جنایت‌های رژیم صهیونیستی، هم در لبنان، هم در غزه و فلسطین، عکس آنچه را آنها می‌خواهند ایجاد می‌کند، یعنی مقاومت را تقویت می‌کند و تشدید می‌کند؛ این هم یک قاعده‌ی کلی است؛ این هیچ‌برو برگرد ندارد.» ۱۴۰۳/۹/۵

«این مجاهدتها که امروز بحمدالله با قوت و قدرت تداوم دارد — هم در لبنان، هم در غزه و فلسطین — قطعاً به دنبال خود پیروزی حق را، پیروزی جبهه‌ی حق را، پیروزی جبهه‌ی مقاومت را به دنبال خواهد داشت؛ این، آن چیزی است که ما به آن امیدواریم و بر حسب آنچه حالا انسان می‌فهمد از مجموع حوادث و همچنین از وعده‌ی الهی احساس می‌کند، این نتیجه، نتیجه‌ای است که قطعی به نظر می‌رسد.» ۱۴۰۳/۸/۱۷

این‌ها تنها چند نمونه از نظرات و مواضع رهبر انقلاب درباره‌ی سرنوشت جنگ غزه است که در چند ماه اخیر بیان شده است. ایشان از همان ابتدای این جنگ نابرابر نیز اعتقاد داشتند و بیان کردند که شکست رژیم صهیونیستی، به‌رغم همه‌ی حمایت‌های بی‌سابقه‌ی غرب، غیر قابل ترمیم است: «در این قضیه‌ی پانزدهم مهر به این طرف، رژیم غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطلاعاتی، یک شکست قابل ترمیم خورده؛ شکست را همه گفتند، تأکید من به "غیر قابل ترمیم بودن" است. من می‌گویم این زلزله‌ی ویرانگر توانسته است بعضی از سازه‌های اصلی حاکمیت رژیم غاصب را ویران کند که تجدید بنای آن سازه‌ها به این آسانی امکان‌پذیر نیست. بعید است که رژیم غاصب صهیونیستی با همه‌ی‌های وهوبی که می‌کند، با همه‌ی حمایت‌هایی که امروز در دنیا از سوی غربی‌ها از او می‌شود، بتواند آن سازه‌ها را ترمیم کند. من عرض می‌کنم از شنبه‌ی پانزدهم مهر، رژیم صهیونیستی (دیگر) رژیم صهیونیستی قبلی نیست و ضربه‌ای که خورده است به این آسانی قابل جبران نیست.» ۱۴۰۲/۷/۱۸

### ■ چرا غزه پیروز است؟

دلایل ریز و درشت فراوانی برای تأیید پیروزی مقاومت فلسطینی در غزه و شکست رژیم صهیونیستی وجود دارد. از مقایسه‌ی حس‌وحال این روزهای مردم غزه با ساکنان سرزمین‌های اشغالی گرفته تا موج استعفا میان سران ارشد نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی و اعترافات متعدد چهره‌های سیاسی و امنیتی و تحلیلگران آن‌ها؛ اما از همه‌ی این‌ها مهم‌تر، بررسی اهداف اعلامی رژیم و نتیجه‌ی نهایی جنگ است. نتایج‌ها بارها به‌صراحت اعلام کرد که هدف از این جنگ، نابودی توان رزمی مقاومت در غزه، پایان دادن به حکومت حماس بر این منطقه و بازگرداندن اسرای رژیم است.

باین‌حال، پس از ۱۵ ماه جنگ تمام‌عیار و ریختن بیش از ۹۰ هزار تن بمب بر سر اهالی غزه که منجر به شهادت بیش از ۴۵ هزار نفر، مفقود شدن ۱۰ هزار نفر و آوارگی تمام جمعیت دومیلیونی غزه شد، هیچ کدام از اهداف اعلامی تل‌آویو محقق نشد و این رژیم مجبور شد در مذاکرات آتش‌بس، شروط فلسطینی‌ها را بپذیرد و غزه را به مردم آن بسپرد تا باقیمانده‌ی اسرای خود را آزاد کند.

### ■ تحقق یک تحلیل

نکته‌ی جالب و قابل تأمل آنکه خبرگزاری رویترز در گزارشی اختصاصی اعلام کرده که از ابتدای جنگ، ۱۵ هزار نیروی جدید و تازه‌نفس از اهالی غزه به حماس پیوسته‌اند؛ تصاویری که این روزها از رزمندگان مقاومت در خیابان‌های غزه منتشر می‌شود و استقبال گرم مردم از آنان، به‌روشنی نمایانگر طرف پیروز این نبرد نابرابر است. وضعیت امروز بیانگر تحلیل عمیق و پیش‌بینی چندی پیش رهبر انقلاب است: «غزه را ببینید! الان یک سال و چند ماه است که غزه را دارند بمباران می‌کنند، افراد برجسته‌ی غزه، آدمی مثل یحیی سنوار را کشتند، شهید کردند، این ضربه‌ها را وارد کردند؛ در عین حال مردم ایستاده‌اند. آنها به این خیال بودند که مردم را زیر فشار قرار بدهند تا آنها خودشان علیه حماس بایستند و قیام کنند؛ عکس شد؛ مردم بیشتر طرفدار حماس شدند. جهاد هم همین‌جور است، بقیه‌ی عناصر فلسطینی هم همین‌جور هستند. مقاومت این است، جبهه‌ی مقاومت این است: هر چه فشار بیاورید، محکم‌تر می‌شود؛ هر چه جنایت کنید، پُرانگیزه‌تر می‌شود؛ هر چه با آنها بجنگید، گسترده‌تر می‌شود.» ۱۴۰۳/۹/۲۱ (خط حزب‌الله)



## پدیده‌ای بنام تونل و نسبت آن با محور مقاومت

محمد مهدی رحیمی

از تقریظ رهبر فرزانه انقلاب بر کتاب "معبد زیرزمینی" رونمایی شد. موضوع کتاب حفر تونل استراتژیک در دوران دفاع مقدس و در عملیات فتح المبین است که زمینه موفقیت رزمندگان اسلام را در عملیات فراهم کرد.

آن روزها حفر این تونل، اقدام جدیدی بود که بصورت بسیار محرمانه و به همت مَقنی های یزدی رقم خورد.

رونمایی تقریظ آقا، دوباره بحث تونل‌های غزه را داغ کرد. تونل‌هایی که برگ برنده مبارزان فلسطینی در طوفان الاقصی بود و صهیونیست‌ها در ۱۵ ماه جنایت در این سرزمین کوچک، باز هم نتوانستند همه آنها را از بین ببرند و مجاهدین هر روز برگ جدیدی با تکیه بر این تونل‌های تو در تو و عجیب رو کردند.

البته در این روزهای پر حماسه و تاریخی، نماهایی از تونل‌های حزب الله قهرمان هم در لبنان به نمایش درآمد تا پدیده‌ای به نام تونل و نقش آن در مبارزات گروه‌های مقاومت متمایز تر شود. تاریخچه دقیقی برای آغاز بهره‌گیری از این روش و رواج آن در میان اعضای محور مقاومت وجود ندارد اما نقل است که شهید عماد مغنیه پس از جنگ ۳۳ روزه تجربیات بسیاری را به گروه‌های فلسطینی منتقل کرد که از جمله آنها ایده ساخت تونل‌های چند منظوره بوده و حتی در آن شبی که در کفرسوسه دمشق به شهادت مرسد جلسهای با همین موضوع با ایرانی‌ها و فلسطینی‌ها داشته است.

اما اینجا می‌خواهم از تونلی بگویم که شاید تنها تونلی باشد که کاملاً علنی شده و در معرض بازدید همگان قرار دارد، شناسنامه دارد و البته متأسفانه حق کپی رایت آن کامل رعایت نشده و آن تونل ساریوو است، پایتخت زیبا و کوچک بوسنی و هرزگوین که در زمان جنگ بوسنی به تونل امید یا نجات شناخته می‌شد. ایده ساخت این تونل حدوداً ۹۰۰ متری که پایتخت را از محاصره صربها نجات داده و گشایشی جدی در جنگ ایجاد می‌کند، توسط رزمندگان ایرانی که به کمک مسلمانان در قلب اروپا شتافته بودند، مطرح می‌شود و اگر نبود پافشاری آنها برای اجرای این ایده راهگشا، چه بسا تونل ساخته نمی‌شد و جنگ سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد.

جالب اینکه در این ایده‌پردازی و پافشاری بر آن، مجاهد ایرانی سردار احمد کریمی نقشی ممتاز داشته، روستازاده‌ای که در سایه پدری مقنی رشد می‌کند، در دفاع مقدس می‌درخشد و نهایتاً تجربه‌اش را هزاران کیلومتر آنسو تر در اختیار مسلمانان اهل سنت اروپایی قرار می‌دهد که تحت ظلم و ستم کروات‌ها و صرب‌ها قرار گرفته‌اند.

و متأسفانه امروز در این تونل که تبدیل به جاذبه‌ای توریستی در ساریوو شده، هیچ نام و نشانی از ایران و مجاهدان ایرانی طراح تونل وجود ندارد.

چراپیش ساعت‌ها و بلکه روزها بحث و نظر می‌خواهد، چه آنکه اگر خوب به این چرایی پرداخته بودیم راحت‌تر به سوال‌های مشابه درباره نسبت ایران و سوریه پاسخ می‌دادیم.

انشالله بزودی در چند یادداشت کمی به این موضوع و کنکاش‌های تاریخی و درس‌هایی که گرفتیم و نگرفتیم و باید بگیریم خواهیم پرداخت. اجالتاً شماره جدید نشریه ماجرا را که تماماً اختصاص به جنگ بوسنی و نقش ایرانی‌ها دارد، از دست ندهید.

## درباره پیشیمانی کارفرما از مزدورها

محسن مهدیان

آمریکا کمک مالی به ضد انقلاب را سه ماه تعلیق کرد. کمکی معادل ۶۵ میلیون دلار. در این رابطه چند نکته قابل اعتنا وجود دارد.

۱. این عدد و خبر برای کسانی که هنوز دلبسته کد خدای خیالی هستند مفید است؛ البته امیدوارم. خیلی روشن و شفاف و بدون لکت از بودجه حمایت علیه مردم ایران سخن می‌گویند. این عدد طی بیست سال به گزارش وزارت خزانه داری آمریکا ۳۵۹ میلیون دلار است. این در حالی است که این تنها گوشه ناچیزی از حمایت‌هاست. به عنوان نمونه تنها "بنیاد ملی دموکراسی" یک موسسه غیرانتفاعی که بودجه مستقیم از کنگره آمریکا می‌گیرد در ۵ سال گذشته بیش از ۲٫۶ میلیارد پوند به ۷ گروه رسانه‌ای برای براندازی کشورهای مستقل اختصاص داده است. یا تنها گروه رسانه‌ای USAGM در بخش ضد ایرانی‌اش و به اعتراف خودشان برای یک سال ماموریت رسانه‌ای علیه ایران ۶۳۷ میلیون دلار درخواست بودجه کرده است.

۲. کارفرما دچار کسری جدید مالی است. این تصمیم در کنار دیگر تصمیمات فوری ترامپ برای حذف هزینه ۴۰ میلیارد دلاری است که ۲۰۰ کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وضعیت آمریکا آنقدر اسفناک است که حاضر شده است از حمایت‌های حیثیتی از رژیم صهیونیستی نیز دست بکشد و اقدام علیه ایران را مسکوت بگذارد. این وضعیت امروز کشوری است که مدعی قدرت اول دنیا است و چشم خودتحقیرها را پر کرده است.

۳. آمریکا از مزدورهای رسانه‌ایش راضی نیست. به تعبیر دیگر تاریخ مصرف پهلوی‌ها تا رجوی‌ها و یا نصیری‌ها که سال ۵۷ رفتند سداواکی شدند، برایش گذشته است. در یک نمونه روشن سال‌ها پیش برایان هوک نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران در نیویورک پست نوشت که رسانه صدای آمریکا در پیشبرد اهداف تبلیغاتی علیه ایران کاملاً ناموفق بوده است. این در حالی است که تنها صدای آمریکا در همان سال ۱۷ میلیون دلار بودجه حمایتی دریافت کرده بود. سال گذشته نیز شبکه سلطنتی من وتو به جهت پشیمانی کارفرما مجبور شد تعطیل کند.

اما چرا موفق نبودند؟ این رسانه‌ها و تروریست‌ها و آدم کش‌ها که در دشمنی با ایران کم نگذاشتند؛ پس علت خواری‌شان نزد کارفرما چیست؟ همه غرب یکدست و یک صدا با همه تجهیزات یک جنگ ترکیبی را برای پیشبرد جنگ رسانه‌ای علیه ایران به خدمت گرفتند اما باز هم موفق نشدند. چرا؟

۴. مقاومت مردم ایران در این حوزه با اهمیت است. گرچه دولت آمریکا گرفتار ضعف جدی اقتصادی شده است، اما اگر مزدورهای ضدایرانی موفق عمل می‌کردند دست حمایت خود را از این رسانه‌ها بر نمی‌داشت. ماجرا اینست که روی دیگر ناکارآمدی ضدانقلاب قدرت و مقاومت مردم ایران است. تلاش شبانه روزی ضدانقلاب اینست که مردم ایران را نسبت به هویت تاریخی و دینی و انقلاب و ملی‌شان پشیمان و از آینده‌شان ناامید کنند. اما مردم ما در تمام این سال‌ها نشان دادند که مکر و خدعه و فریب رسانه‌های دشمن بر آنها بی‌اثر است. روی دیگر این تصمیم تصویری از قدرت ملی مردم ایران است. ملتی به غایت سیاسی و اهل تحلیل که در بزنگاه‌ها همواره تصمیم درست گرفتند و مقابل دسیسه‌های دشمن مقاومت کردند. این قدرت را نباید دست کم گرفت. این همان قدرتی است که مردم غزه نیز با مقاومت‌شان توانستند رژیم صهیونیستی را به زانو در آورند و در تاریخ بی‌ابرو کنند. خلاصه این خبر در آستانه دهه فجر که نماد قیام و مقاومت مردمی ماست معنادار است.

## عرصه سیاست خارجی، یک صحنه‌ی رمانتیک نیست بلکه عرصه‌ی واقعیت‌هاست

سعید جلیلی

در سال ۹۲ مطرح شد که راه حل مسائل کشور چیست و همان زمان مطرح می‌کردیم که مشکلات اقتصادی کشور چرا وجود دارد. اگر می‌خواهیم صادقانه با مردم صحبت کنیم باید بگوییم خیلی از مسائل در داخل حل می‌شود. در آن زمان عده‌ای گفتند که باید گفت و گو کنیم و امتیازاتی بدهیم تا مسائل حل شود اتفاقاً این نگاه رای هم آورد. در ۱۱ سال گذشته این مسیر یک بار طی شده و در انتها دیدیم که چه پیش آمد و در نتیجه طرف مقابل از برجام خارج شد و دلار از ۳ هزار تومان به ۳۰ هزار تومان رسید.

سخنگوی دولت وقت بیان می‌کرد که واکسن نیز نیازمند FATF است اما دیدیم با حضور شهید رئیسی آن مشکل بدون FATF حل شد؛ اگر حاکمیت پول ملی یعنی ریال را نداشته باشیم نمی‌توانیم ارزش پول ملی ر حفظ کنیم؛ شش ماه از این دولت گذشت و باید این شش ماه مورد ارزیابی قرار گیرد. نقاط قوت شناسایی شود و نقاط ضعف نیز شناسایی شود تا با کمک به دولت رفع شود.

در حوزه کشتیرانی افراد و... را علیه کشورمان اجرایی کردند. در ۶ ماه گذشته مشاهده کردیم که عده‌ای می‌گفتند: «اگر ما نمی‌آمدیم جنگ می‌شد» ولی در همین مدت برای اولین بار رژیم صهیونیستی به کشور ما تعرض کرد.

صحبت‌هایی در اجلاس داووس مطرح شد که متأسفانه دیدیم سناتور آمریکایی این صحبت‌ها را تفسیر به التماس کرد. این شش ماه، یک هشتم عمر یک دولت است؛ باید ببینیم چه اقداماتی در این شش ماه صحیح بوده است؛ یک حرکت ممکن است موجب خطای محاسباتی دشمن شود و موجب پیروزی دشمن شود و این یکی از مباحث مورد اشاره رهبر انقلاب بود.

عرصه سیاست خارجی، عرصه واقعیت‌ها است. عده‌ای با به کار بردن عباراتی مانند «تله جنگ»، دشمن را دچار خطای محاسباتی می‌کنند و باعث می‌شوند که دشمن پیروزی کند. اگر تحلیل غلطی در یک فضای سیاسی شکل بگیرد، باعث لطمه خواهد شد. یک تحلیل فلج کننده از تحریم فلج کننده بدتر است چرا که دشمن را جری می‌کند.

جامعه انسجام می‌دهد، مناسبات قانونی جامعه است و اصلاح خطایی از سوی هر فردی باید در چارچوب قانون باشد؛ ما به عنوان مدعیان پیشرفت و موفقیت کشور باید بدانیم که چه مسیری درست است و مسیر خطا به چه دلیلی نادرست است.

یک بحث این است که دستگاه‌های امنیتی و اداری وظیفه خود را انجام دهند ولی مهم‌تر از آن این است که نادرستی حرفی که مطرح شده برای مردم و افکار عمومی مطرح شود. این مهم است که آن حرف نادرست در افکار عمومی محکوم شود؛ اینجاست که اهمیت تبیین مشخص می‌شود. عرصه سیاست خارجی، یک صحنه‌ی رمانتیک نیست بلکه عرصه‌ی واقعیت‌هاست؛ نباید با چشم بستن بر واقعیت‌ها در این عرصه حرکت کرد. کسانی که علیه چین و روسیه و طالبان صحبت می‌کردند امروز با واقعیت مواجه شدند و متوجه شدند که ما باید با روسیه کار کنیم؛ دیدیم که با افغانستان و طالبان شروع به بحث و صحبت کردند.

کسانی که نسبت به کشورهای اروپایی و آمریکا خوش‌بین بودند امروز می‌بینند که همین کشورها طی شش ماه گذشته انواع تحریم‌های جدید



## چالش‌های «دابوس»؛ نخستین هوش مصنوعی مخترع

عباس پورخصالیان

موضوع این یادداشت، بحث پیرامون مسایل حقوقی «اختراع هوش مصنوعی» به معنی عاملیت هوش مصنوعی در اختراع و نوآوری است!

امروزه اگر کسی که مالک یک سیستم هوش مصنوعی است، به نمایندگی از طرف سیستم هوش مصنوعی اختراعی خود بیاید رسماً ادعا کند که:

– سیستم هوش مصنوعی اختراعی من، چیزی را مستقلاً نوآوری کرده، دستگاهی را کاملاً خودآئین اختراع و خودانگیخته طرح آن را خلق کرده یا خود سیستم هوش مصنوعی، رأساً به کانسپت و دانش کاملاً نوبی دست یافته است که ارزش ثبت اختراع و کسب امتیازات حمایت از مالکیت صنعتی را دارد؛ فلذا مالک چنین سیستم هوش مصنوعی‌یی از اداره ثبت اختراع درخواست کند که:

– اداره ثبت اختراع (و به طور کلی مراکز، مؤسسات و نهادهای ملی و بین‌المللی حامی حقوق ثبت مالکیت فکری و سازمان‌های بومی و کشوری و منطقه‌ای ثبت مالکیت صنعتی و حقوق کپی‌رایت) باید اختراع و نوآوری هوش مصنوعی را نه به نام من که صاحب سیستم هوش مصنوعی هستم بلکه به نام سیستم هوش مصنوعی مربوط ثبت و حقوق مربوط را در حق چنین سیستمی رعایت کند،

در حالی که:

– در هیچ یک از قوانین و مقررات بین‌المللی ثبت اختراع، حمایت از مالکیت صنعتی و اعطای حق کپی‌رایت، از آن جمله در WIPO، سازمان جهانی مالکیت فکری، اعطای چنین حقوقی و امتیازی به یک سیستم هوش مصنوعی پیش‌بینی نشده است، بلکه برعکس:

– اغلب قوانین و مقررات بین‌المللی ثبت اختراع، حمایت از مالکیت صنعتی و اعطای حق کپی‌رایت، بر شخص حقیقی بودن یا شخصیت حقوقی داشتن مخترع یعنی بر انسان بودن عامل نوآوری یا انسان محور بودن نهاد اختراع کننده تأکید ورزیده‌اند؛ در چنین شرایطی،

– داوران و کارشناسان دادگاه‌های رسیدگی به دعاوی ثبت اختراع، در مورد ادعای اختراع‌کنندگی هوش مصنوعی چه قضاوتی دارند؟ و چه تصمیمی می‌گیرند؟

پاسخ روشن داوران و کارشناسان دادگاه‌های رسیدگی به دعاوی ثبت اختراع، در مورد ادعای اختراع‌کنندگی هوش مصنوعی، اغلب چنین است:

– رد ادعا و عدم ثبت اختراع به نام یک سیستم هوش مصنوعی! – زیرا قوانین موجود هنوز در این باره ساکتند! و وظیفه قضات، تغییر قوانین موجود یا تصویب قوانین جدید نیست!

برای نمونه، قضاوت نهایی دادگاه‌های ثبت اختراع در مورد مخترع شمردن یک سیستم هوش مصنوعی به نام دابوس (DABUS) که در زیر در موردش توضیح خواهم داد) در انگلستان، ایالات متحده آمریکا، کانادا و در استرالیا در نهایت یکسان بوده است، به شرح زیر:

– در ایالات متحده، اداره ثبت اختراع و علائم تجاری این کشور (USPTO) با رد ادعاهای مخترع شمردن سیستم هوش مصنوعی موسوم به DABUS حکم داده است که فقط اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند به عنوان مخترع در فرم درخواست ثبت اختراع، درج شوند.

– در اتحادیه اروپا: اداره ثبت اختراع اروپا (EPO) نیز حکم مشابهی را صادر کرده و اعلام کرده است که مخترع یا مخترعان باید انسان باشند.

– در انگلستان: دفتر مالکیت معنوی این کشور (UKIPO) نیز موضع مشابهی را اتخاذ و اعلام کرده است که نمی‌توان از سیستم هوش مصنوعی به عنوان مخترع نام برد.

– در استرالیا: ابتدا، در سال ۲۰۲۱ دادگاه فدرال این حکم را صادر کرد که DABUS را می‌توان بر اساس قوانین استرالیا مخترع در نظر گرفت، تصمیمی که در یازدهم نوامبر ۲۰۲۲ توسط همان دادگاه فدرال لغو شد.

– در کانادا: درخواست ثبت اختراع DABUS با چالش‌های قابل توجهی روبرو شده است. اداره مالکیت معنوی کانادا (CIPO) در نوامبر ۲۰۲۱ اطلاعیه‌ای صادر و در آن بیان کرد: ثبت DABUS به عنوان مخترع، با قانون ثبت اختراع کانادا مطابقت ندارد، زیرا این قانون از مخترعان می‌خواهد که انسان یا نمایندگان قانونی آنها باشند. لذا CIPO پیشنهاد کرد که

دکتر استفان تالر، مالک دابوس، می‌تواند با معرفی خود به عنوان نماینده قانونی DABUS این مشکل را برطرف کند. اما چون که دکتر استفان تالر این پیشنهاد را نپذیرفت این درخواست همچنان در حال بررسی است و دادگاه‌های کانادا هنوز به طور مستقیم به موضوع مخترع شمردن هوش مصنوعی رسیدگی نهایی نکرده‌اند.

■ **آفریقای جنوبی تنها کشور ثبت‌کننده اختراعات هوش مصنوعی** کمیسیون شرکت‌ها و مالکیت فکری آفریقای جنوبی موسوم به CIPC، سیستم هوش مصنوعی دابوس را مخترع شمرده و نوآوری دابوس را تحت شماره ۲۰۲۱/۲۴۴۲۰۳ به ثبت رسانده است. این ثبت اختراع شامل طرح یک ظرف غذای دارای ویژگی بهبود چسبندگی و انتقال حرارت؛ به علاوه یک چراغ هشدار اضطراری است.

با این تصمیم مهم، آفریقای جنوبی اولین کشوری است که هوش مصنوعی دابوس را عامل و ماجد اختراع و واجد حق ثبت اختراع شمرده است.

علت این که داوران آفریقای جنوبی توانستند دابوس را مخترع قلمداد کنند این است که در قوانین ثبت اختراع در این کشور، ذیل تعریف مخترع، ذکری از انسان بودن مخترع نشده است و دلیل این که در اروپا، آمریکا و کانادا و استرالیا دابوس به عنوان مخترع شمرده نشد این است که قوانین مربوط در اروپا و کشورهای مذکور بر انسان بودن مخترع تأکید ورزیده‌اند.

### ■ توضیح در باره DABUS

تفسیر حقوقی متفاوت از مخترع شمردن یا مخترع نشمردن سیستم هوش مصنوعی در سال ۲۰۲۱ با اختراع DABUS توسط دکتر تالر شروع شد.

دابوس بحث‌های جاری در مورد پیامدهای هوش مصنوعی برآینده در حوزه مالکیت معنوی را طی چهار سال گذشته برجسته کرده است.

با ادامه تکامل فناوری هوش مصنوعی در آینده، بحث در مورد وضعیت قانونی و حقوق اختراعات تولید شده توسط هوش مصنوعی و لزوم تغییر قوانین مربوطه در کشورها احتمالاً در حوزه‌های قضایی مختلف در سراسر جهان ادامه خواهد یافت.

### ■ اما DABUS چیست؟

"دابوس" برگرفته از عبارت "Device for Autonomous Bootstrapping of Unified Sentience" یک سیستم هوش مصنوعی است که توسط دکتر استفان تالر ساخته شده است و به ادعای سازنده آن، توانایی تولید اختراعات به صورت مستقل را دارد.

– سازوکار دابوس: برخلاف سیستم‌های معمولی هوش مصنوعی، DABUS برای اختراع و نوآوری کانسپت‌های جدید بدون دخالت انسان طراحی و تولید شده است. سازوکار این سیستم، ایجاد فرآیندهای طوفان مغزی است شبیه به جریان‌های طوفان مغزی که در میان انسان‌ها صورت می‌گیرد و معمولاً منجر به نوآوری می‌شود.

– نوآوری‌های دابوس: یکی از اختراعات دابوس، طراحی یک ظرف غذای منحصر به فرد و اختراع دیگرش، نوآوری یک چراغ چشمک زن اضطراری است. این دو اختراع و روایت دکتر استفان تالر از آنها که: «هر دو اختراع کاملاً مستقل توسط دابوس صورت گرفته است»، منجر به بحث‌های قابل توجهی در مورد مخترع شمردن هوش مصنوعی در قانون ثبت اختراع شده است.

– صاحب دابوس: صاحب دابوس دکتر استفان تالر است که یک مخترع و کارآفرین آمریکایی است. او دابوس را به عنوان یک سیستم هوش مصنوعی توسعه داد که به ادعای او: قادر به تولید مستقل اختراعات است.

دکتر تالر یکی از مدافعان برجسته به رسمیت شناختن هوش مصنوعی به عنوان «مخترع» در همه قوانین ثبت اختراع است. وی پیامدهای نوآوری‌های تولید شده توسط هوش مصنوعی را برای حقوق مالکیت معنوی برجسته کرده است.

– برجستگی دابوس: بحث‌های حقوقی پیرامون DABUS در درجه اول بر این پرسش متمرکز است که آیا یک هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان مخترع آن هم با تعریف مخترع در قوانین ثبت اختراع شناخته شود یا خیر؟ در حالی که DABUS به دلیل



تلاش‌های صاحبش دکتر تالر برای تضمین حقوق ثبت اختراع در حوزه‌های قضایی مختلف، معروف و قابل توجه است، این تنها سیستم هوش مصنوعی در نوع خود نیست که مدعی کسب چنین حقوقی است. سیستم‌ها و فرآیندهای هوش مصنوعی دیگری نیز وجود دارند که مدعی خلق اختراعات و ایجاد نوآوری مستقل هستند، اما DABUS به ویژه در پرونده‌های حقوقی مربوط به مسأله اعطای حقوق اختراع به سیستم هوش مصنوعی، از همه برجسته‌تر مطرح شده است.

### ■ بررسی موضوع در مرکز پژوهش‌های مجلس

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران در گزارش جدید خود تحت عنوان «چالش‌های پیش روی نظام بین‌المللی مالکیت فکری (با تمرکز بر نظام مالکیت صنعتی) در مواجهه با فناوری‌های هوش مصنوعی» که در دی ماه ۱۴۰۳ منتشر شد، به تبعات پدیداری سیستم‌های هوش مصنوعی شبیه به دابوس و لزوم تجدید نظر در قوانین موضوعه مربوط به ثبت اختراع در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

«هوش مصنوعی با متحول کردن مفهوم خلاقیت و نوآوری، تعادل میان حقوق عموم مردم و حقوق خصوصی ناشی از دارایی‌های فکری را برهم خواهد زد، لذا آسازمان و قانون‌گذار حامی حقوق مالکیت فکری و وظیفه دارد این تناسب را بازگرداند. این پژوهش با تمرکز بر مباحث نظام مالکیت صنعتی، به بررسی تأثیرات هوش مصنوعی بر نظام حقوق بین‌المللی مالکیت فکری می‌پردازد و چالش‌های قانونی و اخلاقی پیش روی نظام موجود را مورد تحلیل قرار می‌دهد. این چالش‌ها از قبیل تعیین مخترع و مالکیت بر اختراعات مدل‌های هوش مصنوعی، شرایط ماهوی پذیرش اختراعات هوش مصنوعی، مفهوم ابتکار در آثار پدید آمده توسط هوش مصنوعی... که در شاخه‌های مختلف حقوق مالکیت فکری مطرح است، مسائل روز دنیا هستند و در حال حاضر پرونده‌های بسیار مهمی در سطح جهانی همچون پرونده دابوس در مورد این چالش‌ها مطرح است که می‌تواند نظام‌های کنونی را دچار تغییر و تحول کند.» ابرگررفته از قسمتی از چکیده گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تحت عنوان «چالش‌های پیش روی نظام بین‌المللی مالکیت فکری (با تمرکز بر نظام مالکیت صنعتی) در مواجهه با فناوری‌های هوش مصنوعی»

### ■ موضع سازمان جهانی مالکیت فکری در قبال دابوس

سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) به طور رسمی موضعی له یا علیه پرونده DABUS اتخاذ نکرده است. با این حال، WIPO منظره‌ها و بحث‌های پیرامون موضوع هوش مصنوعی را به عنوان مخترع در زمینه حقوق مالکیت معنوی تصدیق و تشویق کرده است.

در سال ۲۰۲۲، WIPO مجموعه‌ای از بحث‌ها و رویدادها با تمرکز بر مفاهیم هوش مصنوعی در زمینه نوآوری و مالکیت معنوی را برگزار کرد. هدف از برپایی این بحث‌ها بررسی نقش در حال تحول هوش مصنوعی در فرآیند خلاقانه و چگونگی سازگاری چارچوب‌های قانونی موجود برای انطباق با اختراعات تولید شده توسط هوش مصنوعی بود.

اما در حالی که WIPO اهمیت این بحث‌ها را به رسمیت می‌شناسد، هیچ دستورالعمل یا موضع‌گیری رسمی در مورد DABUS به طور خاص صادر نکرده است و تمایل دارد به جای اتخاذ موضع قطعی در این مورد خاص، بر تسهیل گفتگو بین کشورهای عضو و ذینفعان تمرکز کند.

## سندرم ازوابستگی واحساس صغارت

سیدآرش وکیلان

شاید بتوان یکی از علل اصلی ناکامی بخش بزرگی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران جهت تعامل موفق با جامعه را در قالب یک سندرم فکری احساس صغارت معرفی کرد.

برخی از اپوزیسیون ایران بر این باور هستند که اولاً شاه عملکرد اقتصادی اجتماعی درخشانی در حوزه مدرنیزاسیون کشور داشته و ثانیاً بلوک غرب یا شرق یا کارتل‌های نفتی و ... به علت هراس از قدرت وی تصمیم گرفتند که یک انقلاب راه بیاندازند و وی را سرنگون کنند تا ایران پیشرفت نکند.

چنین تفکری چند پیش فرض دارد:

۱- جامعه ایران خود اراده‌ای برای تدبیر امور خود ندارد و بیگانگان برایش تعیین تکلیف می‌کنند.

۲- جامعه ایران لیاقت دستاوردها و پیشرفت‌های حاصل شده در دوران پهلوی را نداشته است.

منشا این برداشت می‌تواند به چگونگی به قدرت رسیدن و استمرار حکومت پهلوی مربوط شود. در خصوص رضاشاه یک فرضیه جدی هست که امپراتوری بریتانیا و به‌طور خاص ژنرال آیرونساید در برآمدن وی نقش جدی داشت تا در برابر توسعه حکومت شوروی سدی مقتدر بسازد. سپس در هنگامه جنگ جهانی دوم وی در اثر هجوم متفقین مجبور به استعفا شد و محمدرضا شاه با حمایت آنها بر تخت سلطنت نشست و در سال ۱۳۳۲ با کودتای آمریکا توانست در قدرت بماند. لذا طبیعی می‌دانند که سقوط چنین حکومتی هم با خواست بیگانه رقم خورده باشد. نتیجه منطقی این تفکر آن است که اکنون نیز جامعه صغیر ایران توان تدبیر و اصلاح امور خود را ندارد و باید بیگانگان مثل ترامپ را برانگیخت تا در امور ایران مداخله و حکومت را براندازی کنند و سپس عامل حکومتی خود را بیاورند و با نیروی خود نگه دارند و مدرنیزاسیون را نیز به زور بر آن تحمیل نمایند.

پرسش این است چنین فکری که از اساس منکر توانمندی‌های جامعه ایران است، چطور می‌خواهد و می‌تواند جامعه را اداره کند؟!

در ارزیابی موضوع گرچه نمی‌توان کتمان کرد که اولاً برخی گروه‌ها و جریان‌ها و قدرت‌های خارجی منفاعی در تغییرات در ایران داشته‌اند کما آنکه اکنون هم در ایران و در دیگر کشورها مطامعی دارند، ثانیاً برخی از انقلابیون ایران به گفته خودشان تعاملاتی با قدرت‌های دیگر داشته‌اند تا آنها را با انقلاب همراه کنند یا دست کم در موضع بیطرفی نگه دارند،

وثالثاً در اواخر پاییز ۱۳۵۷ که کنفرانس گوادلوپ برگزار می‌شود قدرت‌های غربی از استمرار شاه ناامید شده و دنبال جایگزینی بودند که مایل به شوروی نباشد.

با این حال، نمی‌توان یک انقلاب اجتماعی سیاسی بزرگ را به اراده بیگانه تحویل نمود. انقلاب بر خلاف کودتا پدیده‌ای است که جمع وسیعی از مردم را به شکل عمیقی درگیر خود می‌کند و می‌توان جامعه به مثابه یک کلیت انقلاب می‌کند نه یک گروه یا جمع محدود و کوچک.

در واقع، چه انقلاب اسلامی یا انقلاب ۱۳۵۷ را مرقی، مفید و مطلوب قلمداد کنیم یا آن را ارتجاعی، مضر و نامطلوب بدانیم اصل پذیرش حیات جامعه ایران برای تعامل صحیح با آن و طراحی هر نوع آینده ضرورت دارد. همچنین، تحویل انقلاب به اراده بیگانه سد راه هر گونه تحلیل علمی شرایط کشور بر اساس دینامیسم‌های اجتماعی درونی آن می‌شود که جامعه‌شناسان به شدت از آن پرهیز می‌کنند.

## جناب‌شان (رئیس جمهور) اشد

کند نظرش را به اطلاع مردم برساند. مردم هم لازم نیست وقت‌شان را بابت رفتن به شعب اخذ رای تلف کنند. می‌توانند در روز تعطیل استراحت کنند و انتخاب رئیس جمهور را بسپارند به فاتحان دمشق. به همین راحتی. جناب‌شان «رئیس جمهور» شد بی‌که انتخاباتی برگزار کند و نظر جمهور در درباره خودش بپرسد. آن هم نه برای شش ماه و یک سال محض گذراندن دوران انتقالی. برای چهارسال. تا اینجا البته هیچ شگفتی خاصی در کار نیست. مثل روز روشن بود که از ترور یست، دموکرات در نمی‌آید. معلوم بود که از خواهرخوانده داغش، صندوق رای در نمی‌آید. نقطه‌ای شگفت ماجرا اما سکوت آن‌هایی است یک‌خط درمیان از استبداد آسد می‌گفتند و خواهرخوانده‌های داغش را با «انقلاب مردم سوریه» سفیدشویی می‌کردند. مطلقاً هیچ صدایی از انقلابی‌های دیروز بلند نیست که

در دو روز گذشته، خبری لابلای اخبار گم شد. و شما خیلی بهتر از من می‌دانید که هیچ بولد شدن و گم‌شدنی در رسانه اتفاق نیست. خبری اگر مدام توی چشمتان فرو شد یعنی یک عده دارند از جیب پول می‌دهند که خبر بچرخد. و البته خبری اگر ناگهان میان اخبار گم شد، یعنی خبر، محبوب دل دست‌به‌جیب‌های پشت پرده نیست. و از قضا آن اخبار - آن اخبار گم شده - مهمتر از بریکینگ‌نیوزهای آنجانی هستند. و اما آن خبر مهم چه بود؟ ایومحمد الجولانی - که دوست دارد احمد الشرع صدایش کند - در حضور حلقه‌ی وفاداران رسماً اعلام کرد تا چهار سال آینده رئیس جمهور سوریه خواهد بود. دقت کنید که ریاست‌جمهوری خودش را «اعلام کرد». یعنی از نظرش این مسأله هیچ نیازی به رای‌گیری و رقابت انتخاباتی و باقی اضافه‌کاری‌ها نداشت. فقط لازم بود مردم عالی‌جناب تصمیم بگیرد و لطف

از «عفونت دیکتاتوری آسد» می‌گفتند و از «سوریه آزاد» پس از ری‌برندینگ جولانی. آسد هرچه بود، لاقال خودش را به ظاهر دموکراسی مفید می‌دانست. لاقال انتخاباتی برگزار می‌کرد که بعد بشود بر سر کیفیت برگزاریش دعوا کرد. انتخاباتی برگزار می‌شد که یک عده به آن بگویند انتخابات فرمایشی. حالا اما این محمدخان ظواهر دموکراسی را هم به زیر کشید. همو که از ری‌برندینگش می‌گفتند، حالا هم شیعه می‌کشد، هم تخریب مکان‌های مقدس شیعی را در دستور کار دارد و هم بی‌تعرف انتخابات را تمسخر می‌کند. از ری‌برندینگ فقط کت‌شلوار و کرواتش را دارد. در کجا؟ در «سوریه‌ی آزاد». شگفت اینجاست که هیچ صدایی از دموکرات‌های شیک و پیک ایرانی بلند نیست. همان‌ها که فردای پیروزی جولانی، برایش پیام تبریک فرستادند. همان‌ها که سوریه‌ی تحت اشغال



## نبردی همه جانبه در مسیر مقاومت تمدنی فراگیر

سیف‌عبدالفتاح

منظور از عنوان این است که مقاومت تنها به یک اقدام خاص محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از نبردهاست که بر تنوع اشکال، روش‌ها و شیوه‌های آن تأکید دارد و حرکت فعال امتی را نشان می‌دهد که در آن همه مشارکت می‌کنند تا نقش خود را در این مقاومت تمدنی جامع و یکپارچه ایفا کنند. درست است که در رأس نبردهای مقاومت، نبردهای جهاد و مبارزه در میدان قرار دارد، اما در عین حال، این نبردها از حمایت و پشتیبانی نبردهای دیگر نیز برخوردار هستند تا با این سیستم نبردها، حداکثر اثربخشی ممکن در سطح امت محقق شود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (العنکبوت: ۶۹).

به عبارت دیگر، مقاومت تنها به مبارزه نظامی محدود نمی‌شود، بلکه شامل نبردهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فکری نیز می‌شود که همگی در کنار هم، حرکت جامع و یکپارچه‌ای را شکل می‌دهند که هدف آن حفظ هویت، آزادی و عزت امت است. این نبردها در کنار هم، یک سیستم مقاومتی را تشکیل می‌دهند که در آن هر فرد و گروهی نقش خود را به‌طور کامل ایفا می‌کند تا مقاومت به‌عنوان یک حرکت تمدنی به اوج اثربخشی خود برسد.

### ■ نخست: نبرد آزادی برای تغییر:

وضعیت سوریه، که صفحه‌ای مبارک پس از «طوفان الاقصی» بود، هرگز از معانی مقاومت که بر آن تأکید داریم، دور نبوده است. پس از نبرد بزرگ طوفان، لازم بود شعاری را مطرح کنیم: «از طوفان الاقصی تا طوفان امت»، تا تأکید کنیم که مسیر مقاومت تمدنی و فراگیر تنها مجموعه‌ای از رویدادها نیست که صرفاً به آنها واکنش نشان دهیم یا از آنها تأثیر بپذیریم. از الطاف الهی است که همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، خداوند روزهایی سرنوشت‌ساز و روشنگر در اختیار ما قرار می‌دهد که به لحظاتی فرکانی در مسیر بیداری امت تبدیل می‌شوند. این مسیر نیازمند کار جدی و عمیق است؛ زیرا خداوند نعمت‌های خود را بر مردمانی ارزانی نمی‌دارد مگر آنکه مطابق قوانین الهی عمل کنند: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵). اگر صفحه «طوفان الاقصی» روبرویی با دشمن و تجاوزگری را به نمایش می‌گذارد، صفحه انقلاب سوریه در نسخه دوم خود، مبارزه‌ای علیه استبداد و طغیان است. مقابله با هر دو مورد، یعنی تجاوزگری و استبداد، دو ستون اصلی مقاومت تمدنی و فراگیر به شمار می‌روند.

### ■ دوم: نبرد حافظه:

چراکه ملت فلسطین در جنگی برای بقا قرار دارد و در این میان، نبرد حافظه یکی از مهم‌ترین مبارزاتی است که فلسطینی‌ها برای مقابله با یهودی‌سازی سرزمین خود، از زمان نکتب در سال ۱۹۴۸، با شایستگی پیش برده‌اند. جمله معروف «بزرگان خواهند مرد و کودکان فراموش خواهند کرد» که توسط اولین نخست‌وزیر اسرائیل، بن‌گوریون، گفته شد، یکی از تحریک‌آمیزترین و چالش‌برانگیزترین اظهارات علیه ملت فلسطین است. اما همین جمله باعث شد فلسطینی‌ها هوشیار شوند و با حفظ حافظه خود، سرزمین غصب‌شده و تاریخشان را که اسرائیلی‌ها در پی محو آن هستند، فراموش نکنند. اراده فلسطینی‌ها برای حفظ حافظه، نشان داد که مناقشه تاریخی منطقه همچنان ادامه دارد و مسئله فلسطین همچنان در مرکز این درگیری‌ها قرار دارد. نبرد نسل امروز به مبارزه نسل‌های آینده گره خورده است؛ نسلی که باید از طریق تقویت حافظه، مبارزه و مقاومت، و شناخت ماهیت این نبرد سرنوشت‌ساز با رژیم صهیونیستی، آماده باشد. علاوه بر این، آینده این مقاومت به پرورش نسل جوان و آموزش روحیه مقاومت و جهاد در آنان بستگی دارد. این میراث باید از نسلی به نسل دیگر منتقل شود تا حافظه تاریخی فلسطین زنده بماند و نسل‌های آینده بتوانند امانت مقاومت و کرامت را حفظ کرده و ادامه دهند.

### ■ سوم: نبرد هویت و حافظه:

دشمنان تلاش می‌کنند هویت ما را حذف، تحریف و جعل کنند. در طول تاریخ، غرب توانست هویت‌های جدیدی برای مردم شرق بسازد و حاکمانی را بر آن‌ها تحمیل کند که این باورهای ساختگی را پذیرفته بودند. نتیجه این اقدامات، تاریخی پر از شکست‌ها، مصیبت‌ها و سرگردانی‌های بزرگ بود. اما نبرد هویت، مبارزه امروز در سرزمین‌های ما را به حقیقت اصلی‌اش بازگردانده است. این نبرد در پی از بین بردن هویت‌های جعلی و تحمیلی‌ای است که با زور و اجبار، توسط اشغالگران و عواملشان

بر ما تحمیل شده‌اند.

### ■ چهارم: نبرد معنا و مفهوم:

مصطفی صادق الرفاعی در کتاب وحی القلم تأکید می‌کند که کلمات همچون سنگ‌ها و سپاهیان اندو باید همانند سرزمین و شرافت از آن‌ها محافظت کرد، زیرا حرمتشان مورد تعرض قرار می‌گیرد و معانی‌شان آلوده می‌شود. وظیفه ماست که کلمات غصب‌شده را آزاد کنیم، نسبت به کلمات مسموم آگاه باشیم و خطرات آن‌ها را بشناسیم، و از کلمات مین‌گذاری‌شده که ممکن است ذهن‌ها را تخریب کنند، دوری کنیم. این مسئولیت ایجاب می‌کند که ظلم را از کلمات مظلوم برداریم و پرده از چهره کلمات ظالم کنار بزنیم؛ کلماتی که ذهن‌ها را به‌طور جمعی شست‌وشو می‌دهند و در اندیشه‌ها جا خوش می‌کنند تا آن‌ها را به خدمت فرهنگ‌هایی بیگانه درآورند. تجاوز به حرمت معانی کلمات تنها از سوی دشمن خارجی رخ نمی‌دهد که تلاش می‌کند معناها را منحرف کرده و مفاهیم را تحریف کند تا کلمات بی‌معنی و بی‌جهت شوند. این تجاوز ممکن است از درون هم سرچشمه بگیرد، جایی که کلمات بی‌ارزش شمرده شده و حرمتشان از بین می‌رود. حال، جایگاه ما نسبت به کلمات عزت، اندیشه آزادگی و روحیه آزادگان چیست؟ موقعیت ما در برابر کلمات خودمان و ارزش این کلمات در میان ما کجا قرار دارد؟ مقابله با مفاهیم دشمن و مقاومت در برابر آن، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نبردها در مسیر مقاومت تمدنی است.

### ■ پنجم: نبرد آگاهی جمعی و آگاهی استراتژیک:

اقدام استراتژیک باید از همین حالا پایه‌گذاری شود تا مؤثر و فعال باشد. اولین قدم در این مسیر، ایجاد آگاهی نسبت به وضعیت کنونی است، در حالی که هم‌زمان باید به ساخت آگاهی جمعی در تمام سطوح پرداخته شود. همچنین باید به آگاهی استراتژیک توجه کنیم تا آینده را پیش‌بینی کرده و پیامدهای آن را در نظر بگیریم. این آگاهی به ما کمک می‌کند تا تغییرات آینده را به نفع خود هدایت کرده و تمامی زمینه‌های فعالیت و تأثیرگذاری را پوشش دهیم. در این تغییراتی که به‌طور مشترک اتفاق افتاده و برخی از آثار آن ممکن است به ضرر ما باشد، باید در چند زمینه اصلی تمرکز کنیم: اول، آگاهی از چالش‌ها و استفاده از فرصت‌هایی که در دل این چالش‌ها نهفته است؛ دوم، حفظ نیروهای اصلی مانند عزت، کرامت و مقاومت؛ و سوم، کاهش خسارات و ایجاد شرایطی برای تقویت اراده و قدرت، مطابق با فرمان قرآنی «وَأَعِدُوا»، به‌طوری که این نیروها در نبرد سرنوشت و تغییرات بزرگ آینده حفظ شوند. این مسائل نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک، طراحی نقشه‌ها و ارائه راهکارهایی برای آماده‌سازی نبرد استراتژیک و بزرگ تغییر است که باید در تمام زمینه‌ها و سطوح برای آن آماده باشیم.

### ■ ششم: نبرد اراده:

رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن در روزهای بحرانی ثابت کردند که هدف اصلی آن‌ها نه گروه‌های مقاومت مانند حماس، بلکه اراده ملت فلسطین برای مقاومت در برابر اشغال و ستم است. رفتارهای اسرائیل نشان می‌دهد که هدف واقعی آن‌ها از بین بردن آرمان فلسطینیان برای تعیین سرنوشت خود است. به همین دلیل، تمام تلاششان را صرف از بین بردن انسان، جامعه و خاک فلسطین کرده‌اند. نسل‌کشی، آوارگی و گرسنگی، سه تهدید بزرگ برای انسانیت بودند، در حالی که جامعه فلسطین تمام مؤسسات آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و دینی خود را از دست داد. نبرد اراده و آگاهی از آن، از مهم‌ترین نبردهای آزادی و مقاومت به شمار می‌رود.

### ■ هفتم: نبرد موضع‌گیری و گزینۀ استراتژیک:

ضروری است که یک برنامه استراتژیک برای ملت خود داشته باشیم که مواضع و گزینه‌های استراتژیک را با آگاهی و دقت تعیین کند. برای رسیدن به این هدف، باید یک عقل استراتژیک



در سطح ملی پرورش دهیم. این عقل استراتژیک باید به اندازه مشکلات و چالش‌ها، و همچنین نیازها و پاسخ‌ها فکر کند. در حقیقت، این عقل باید بر مبنای اصولی بنا شود که به جریان اصلی ملت مربوط می‌شود و توانایی مدیریت درگیری‌ها، بحران‌ها و فرصت‌ها را به‌خوبی داشته باشد. چنین عقل استراتژیکی می‌تواند زمینه‌ساز حرکت‌های مؤثر و تعیین‌کننده در عرصه تغییر و تحول باشد.

### ■ هشتم: نبرد نمادها و معانی:

رژیم صهیونیستی، پس از هر مدتی، اقداماتی می‌کند که هدفش از بین بردن تمامی معانی و نمادهایی است که بخشی از هویت و فرهنگ ملت فلسطین را تشکیل می‌دهند، به‌ویژه نمادهای مربوط به قدس و مسجد الاقصی. این رژیم بی‌وقفه به نبردهایی در این زمینه دست می‌زند: نابودسازی حافظه تاریخی، تحریف معانی و تلاش برای محاصره نمادها. رژیم صهیونیستی به‌طور مستمر تلاش می‌کند تا هر صدای فلسطینی‌ها که بر حضور و هویت آن‌ها تأکید می‌کند را خاموش کند.

در این راستا، باید به قدرت نمادها و تأثیر آن‌ها در شکل‌دهی به آگاهی مردم توجه داشته باشیم. رژیم صهیونیستی با حملات معنوی و روانی مکرر، در تلاش است تا روحیه مردم فلسطین را شکست دهد. هنگامی که فلسطینی‌ها هویت، مقام و مقاومت خود را اعلام می‌کنند، این رژیم با افزایش نمایش قدرت خود، تلاش می‌کند تا مقاومت آن‌ها را در هر زمان و مکانی از بین ببرد.

### ■ نهم: نبرد تمدنی جهانی:

دنیا، چه در میان جوانان و چه در میان مسن‌ترها، هرگز مسئله فلسطین را فراموش نکرده است. حمایت‌های جهانی اخیر از مردم فلسطین، که توسط جنبش‌های تحریم بین‌المللی و لغو سرمایه‌گذاری‌ها شکل گرفته، نشان‌دهنده یک حرکت جمعی است که ضمیر بشری و حافظه ملت‌ها را به‌چالش می‌کشد و هدف آن برجسته‌سازی مسئله فلسطین و جلوگیری از فراموشی جنایات رژیم صهیونیستی است. این جنایات شامل پاکسازی نژادی و تجاوزاتی است که علیه مردم فلسطین صورت گرفته است. در کمپین‌های همبستگی، تأکید شد که عملیات تخریب و احداث شهرک‌ها در کرانه باختری، ادامه همان سیاست‌های تبعید از سال ۱۹۴۸ است. اعتراضات دانشجویی در دانشگاه‌های غربی و تظاهرات جهانی در حمایت از فلسطین، نبردی است که باید با قوت ادامه یابد و تقویت شود.

### ■ دهم: نبرد برای تأسیس عقل استراتژیک:

این ملت به عقل استراتژیکی نیاز دارد که هم‌زمان اراده، مدیریت و آمادگی را در خود داشته باشد. این عقل باید در هر زمینه‌ای با دقت مشکلات و چالش‌ها را شناسایی کرده و توانایی تحلیل نیازها و پاسخ‌ها را داشته باشد. اما بستر مهمی که این عقل استراتژیک را تقویت می‌کند، همان جریان اصلی ملت است که می‌تواند در مدیریت درگیری‌ها، مقابله با بحران‌ها و استفاده از فرصت‌ها موفق عمل کند. عقل استراتژیک باید مسیرهایی برای تغییر و تحول و همچنین توانایی‌های حرکت در این راستا را مشخص کند. در این مسیر، باید به خطراتی که ملت را تهدید می‌کند و فرصت‌هایی که می‌تواند از دل آن‌ها پدید آید، توجه کنیم. این ده نبرد، مجموعه‌ای از چالش‌های بزرگ ملت در مسیر مقاومت تمدنی است.



## آتش بعد از پیروزی

علی‌مهدیانی

پیروزی غزه عادی نیست. واقعا چه شد که آمریکا دست کشید؟ چه شد که موجودیت حماس را پذیرفتند، شروطش را تن دادند؟ به استغفاهای پشت سر هم در اسرائیل و گریه و اشک نظامیان یهودی که احساس شکست می‌کردند، راضی شدند؟ چه شد که سخنان علنیشان را در سنا و سازمان ملل و غیره و غیره را علنا زیر پا گذاشتند؟ چه شد که از پس یک مشت مبارز پابستی و زن و بچه فقیر و رنج‌دیده بر نیامدند؟ اما فقط اینها نیست که عادی نیست.

من از سکوت عده‌ای از دوستانم بیشتر نگرانم. آنها که حماس و هنیه و سنوار و ضیف را حتی مهم می‌کردند به بی‌خردی، آنها که کوچکترین ضربه به جبهه مقاومت را مساوی شکست وجودی می‌گرفتند، آنها که ارکان فرماندهی مقاومت را مهم می‌کردند که یعنی ادعا کنند خیلی این جنگ برایشان مهم است. خوب چرا الان ساکتند؟ این معجزه پیروزی را که می‌بینند چرا سکوت کرده‌اند؟ نکند معتاد شده‌اند به ژانر وحشت؟ نکند چشم آیه بینشان کور شده کلا، خدای نکرده زبانم لال؟

خدا نکند معجزه بیاورد و ما کور شویم و لال شویم؟ حواریون وقتی از طریق عیسی روح الله ع، معجزه‌های خواستند از خدا، که سفره‌ای آسمانی برایشان نازل شود، خدا متعال فرمود مانده را می‌فرستم اما و صد اما، اگر خود را به کوری بزیند آنگاه عذابی می‌فرستم که احدی را تا کنون مبتلا به آن نکرده ام. معجزه در بیان قرآن اسم آیه دارد. نشانه، وای از کفر به آیات. وای از خود را به ندیدن زدن. نیندیشیدن و عبرت نگرفتن از این نشانه‌های بین و روشن.

خدا می‌گوید نظر کیف نصراف الایات، ببین چگونه آیه‌های خود را نشانان می‌دهیم ثم هم یصدفون، اینها راحت از کنارش عبور می‌کنند. برخی که آیات را تکذیب می‌کنند، انکار می‌کنند، مسخره می‌کنند، یجحدون بایات الله یا یکذبون بایات الله یا یستهزؤون هستند، آنها هیچ اما برخی بی خیال عبور می‌کنند، چشم می‌پوشند، علت چیست؟ جالب است اینها خیلی‌هایشان کسانی هستند که خود را اهل این امور نشان می‌دادند اهل خدا و پیامبر ص و ... مشکل کجا است؟

نمی‌دانم، اما رفقا! مراقب باشیم این اتفاقات برای ما دستمایه یک ژست سیاسی نباشد؟ مراقب دلمان باشیم. مقابل اراده ولی خدا که مدت‌ها است ما را به دیدن دارایی‌ها و امیدها ترغیب می‌کند به لجاجت نایستیم، انقلابی بودن به صدا را در گلو انداختن پشت میکروفون مجلس و منبر و پیچ و کانال و دو قطبی ساختن و تهمت زدن به این و آن نیست، انقلابی بودن به نصرت ولی خدا است به پیش بردن سخن او است. و الا خدای نکرده معجزات الهی می‌آید و چشممان کور می‌شود و نمی‌بینیم. یا لاقول انظور که باید و شاید نمی‌بینیم، مثل ندیدن اعجاز پیروزی انقلاب در انتهای دهه پنجاه که باعث شد خیلی از انقلابیون ظاهر الصلاح عملا در جبهه مقابل قرار بگیرند. بیاید از کنار این آیات چشم‌نواز این دوران ساده عبور نکنیم. همین.

## گفت‌وگوی یاشامونک بافرانسیس فوکویاما درباره دوره دوم ترامپ

است موافقم. مشکل این است که بسیاری از اصلاح‌گرایان فکر می‌کنند شیوه برخورد ما با ناکارآمدی دولت این است که قوانین بیشتری بنویسیم، تا مطمئن شویم که بوروکرات‌ها کاری را که باید انجام دهند انجام می‌دهند. و این فقط در جهت کاملاً اشتباه کاری می‌کند. باید به آن‌ها اختیارات بیشتری داده شود تا وظایفی را که مقامات سیاسی برایشان تعیین کرده‌اند انجام دهند. اگر آمریکا به گرینلند یا پاناما حمله کند، من فکر می‌کنم

پیشین بر گرداند. او نمی‌خواست کمک‌های بلاپای طبیعی را به کالیفرنیا ارائه دهد زیرا کالیفرنیا یک ایالت دموکرات است. اگر یک فاجعه مشابه - مانند یک طوفان - به لوئیزیانای جمهوری‌خواه برسد، کمک‌ها فوراً به آنجا می‌روند. بنابراین این نوع سیاسی‌کاری واقعا توانایی دولت آمریکا را برای تبدیل شدن به یک دولت مدرن و انجام کارها به‌طور عادلانه کاهش می‌دهد. با این هدف ترامپ و DOGE که مقررات‌زدایی از بوروکراسی

جمهوری خواهان میانه‌رو درباره ترامپ اشتباه می‌کردند. او برای انتقام‌جویی بازگشته و باید انتظار بدترین‌ها را داشته باشیم. فکر نمی‌کنم ایلان ماسک واقعا انقدر تمرکز داشته باشد که کار خود را DOGE را به صورت جدی انجام دهد. این نهاد ایجاد شد تا ماسک را مشغول نگه دارند تا در کار راس ووت که قرار است رئیس دفتر باشد دخالت نکند. ترامپ در تلاش است تا نظام سیاسی ما را به نظام پاتریمونیل

کشورهای بزرگ در جنوب جهانی - هند، آفریقای جنوبی، برزیل - از آمریکا حمایت نمی‌کنند. ممکن است برخی از کشورهای اقتدارگرا وجود داشته باشند که این را فرصتی برای تأیید کارهایی که می‌خواستند انجام دهند، ببینند. اما، می‌دانید، هیچ کشور مهم دیگری در سناریوی گرینلند مانند آنچه ما تصور می‌کردیم در کنار آمریکا نخواهد بود. به نظر من، ایالات متحده هیچ حمایتی دریافت نخواهد کرد و محکومیت جهانی خواهد داشت.



## روشنفکری و فایده‌گرایی

محمد رضاطاهری



کرد که آیا عمل به آن قاعده به بیشینه کردن فایده می‌انجامد یا خیر. برای مثال اگر راستگویی در یک موقعیت موجب ضرر شود، طبق فایده‌گرایی عمل محور، باید دروغ گفت تا مانع ضرر شد. اما فایده‌گرایی قاعده محور می‌گوید راستگویی یک قاعده‌ای است که التزام به آن در نهایت به سود فرد است. لذا مدافع راستگویی است هر چند در یک مورد خاص متضمن ضرر باشد. از اینرو در همین چارچوب فایده‌گرایی نیز تحلیل هزینه-فایده و چرتکه آقای فاضلی نمی‌تواند التزام به قرارداد را موجه کند. زیرا این استدلال قابل طرح است که هزینه لغو قرارداد، هزینه‌ای است که برای مبارزه با نهادینه شدن فساد و رانت خواری پرداخت می‌شود که عواید و فواید آن بسیار بیشتر از ضرر موردی لغو یک قرارداد خاص است.

راه‌حل برای آن به وادی توجیه‌گری فساد فرو می‌غلطد آنهم با ردیف کردن اعداد و ارقام مشکوک و توسل به فایده‌گرایی بنامی.

در چارچوب اندیشه اسلامی نیز معیار عمل، درستی و حقانیت و عدالت است. و درستی با میزان سود و زیان آن سنجیده نمی‌شود. آیه ۱۳۵ سوره مبارکه نسا می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ**، طبق این آیه شریفه، افراد باید به عدالت عمل کنند هر چند که به ضررشان باشد. و البته همچنانکه بیان شد، اصل این فرض که عمل به قرارداد کرسنت ضرر کمتری از لغو آن دارد، مردود است. ضمن اینکه در آموزه‌های دینی اساساً بر تجارتی که بر اساس فساد و رانت و رشوه بنا شده باشد هیچ منفعتی مترتب نیست.

پژوهشگران نویسندگان و محققان باید در منطقی که برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی بکار می‌گیرند، دقت نظر کافی داشته باشند. اگر یک منطق غلط در جامعه و بویژه در نظام تصمیم‌گیری حاکم شود، صدمات و خسارات آن اگر بیشتر از قراردادهای فاسد و رشوه‌ها و زد و بندها نباشد، قطعاً کمتر نخواهد بود.

حالی بیابید از فایده‌گرایی فراتر رویم. حقیقت آن است که تصویری که از روشنفکران وجود دارد آن است که بیشتر متمایل به وظیفه‌گرایی کانت باشند تا فایده‌گرایی بنتام. چرا که به گفته رالز، فایده‌گرایی، تمایز میان اشخاص را جدی نمی‌گیرد و تهدیدی برای حقوق فردی و بویژه حقوق اقلیت‌ها است. اما اگر قرار باشد بر اساس وظیفه‌گرایی کانت حکم شود، اساساً قراردادی که با فساد، زد و بند و رشوه بسته شده است، از اساس باطل است و اساساً در اینجا بحث سود و زیان محلی از اعراب ندارد.

بر این اساس این مساله نیازمند یک پژوهش جامعه‌شناختی است که چرا یک جامعه شناس به جای توجه به ریشه‌های فساد و ارائه

یادداشتی به قلم آقای فاضلی در مورد قرارداد کرسنت منتشر شد که مشحون است از عدد و رقم و محاسبه سود و زیان، که بیشتر به یادداشت یک حسابدار می‌ماند تا یک جامعه‌شناس. بویژه اینکه در انتها نیز چند سوال مطرح شده است که مهمترین آن به تحلیل هزینه - فایده لغو این قرارداد مربوط است که به شکلی یکسویه و بدون توجه به استدلالات طرف مقابل حکم کرده است که ضرر لغو قرارداد بیش از عمل به آن است.

واقعیت آن است که روح بنامی حاکم بر نحوه استدلال نویسنده حیرت‌انگیز است. اینکه روشنفکران ما به منطق فایده‌گرایی، آنهم از نوع بنامی آن روی آورده‌اند، نشانه ساده‌انگاری در مساله حکم و حکمرانی است. شاید اگر به فایده‌گرایی قاعده محور استناد می‌شد، کمتر می‌شد بدان خرده گرفت. بیابید قضیه کرسنت را کنار بگذاریم و به اصل استدلال فایده‌گرایی بنامی نگاهی بیاندازیم.

در فایده‌گرایی بنتام که می‌توان آن را در چارچوب فایده‌گرایی مبتنی بر عمل جای داد، معیار داوری برای یک سیاست، میزان سود و زیاد حاصله از انجام آن است و معیاری فراتر از آن وجود ندارد. دقیقاً کاری که آقای فاضلی انجام داده است. ماشین حساب گوشی را روشن می‌کنیم و با انجام چند ضرب و تقسیم، آنهم بر اساس داده‌هایی مشکوک حکم می‌دهیم که فرضاً انجام یک قرارداد ضرر کمتری دارد یا لغو آن. اما این منطق حتی در امور ساده و تک بعدی روزمره نیز جواب نمی‌دهد، چرا که ابعاد هنجاری، اعتباری و درازمدت مساله را نادیده گرفته است. حتی در یک چارچوب فایده‌گرایی نیز تقریباً همه ما از بسیاری از سودها پرهیز می‌کنیم و ضررها و هزینه‌هایی را متقبل می‌شویم تا موجب کسب اعتباری شود که در دراز مدت به نفع ماست. در اینجا با تقریر پیچیده‌تری از فایده‌گرایی مواجه هستیم که به فایده‌گرایی مبتنی بر قاعده معروف است.

بر این اساس باید از تحلیل سود و زیان یک عمل واحد فراتر رفت و آن را در چارچوب یک قاعده قرار داد و سوال

همه ما دهه شصتی‌ها حداقل برای یک‌بار هم که شده، درباره اینکه «علم بهتر است یا ثروت؟»، تجربه‌اشناویسی داریم. شاید خیلی از ما هنوز در پاسخ به این پرسش‌گوش‌اشنا، علم را برتر از ثروت ببینیم. با این حال، گویا پربروز ثروت و پول شبکه بانکی، بر علم و استدلال کارشناسی پیروز شد!

ماجرای این قرار است که بعد مدت‌ها «ننه‌من‌غریبم در آوردن» شبکه بانکی در خصوص کمبود منابع برای پرداخت تسهیلات ازدواج، در جلسه روز دوشنبه ۸ بهمن مجمع تشخیص مصلحت که با حضور رئیس‌جمهور برگزار شد؛ سهمیه سالانه تسهیلات ازدواج و فرزندآوری از ۳۴۰ همت پیشنهادی کمیسیون تلفیق مجلس، به ۲۷۵ همت، کاهش یافت.

با وجود این، بررسی‌های کارشناسی بارها بی‌اساس بودن ادعای کمبود منابع را اثبات کرده و نمایندگان محترم مجلس نیز به استناد گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، در چند نوبت با کاهش سقف سالانه پرداخت تسهیلات ازدواج، مخالفت ورزیدند. ولی گویا بانکی‌ها با هر کلکی هم شده، بالاخره سر اعضای مجمع تشخیص مصلحت شیره مالیده‌اند و سقف تسهیلات ازدواج برای سال آینده را پایین کشیده‌اند.

از جمله تبعات این موضوع در سال آینده، افزودن بر صف متقاضیان دریافت تسهیلات و افزایش ناکارآمدی تنها مشوق دولتی برای ازدواج جوانان است. باید اشاره شود، شاید در این شرایط «بر تورمی» کسی به خاطر وام قرض‌الحسنه، سراغ ازدواج را نگیرد؛ اما اکثر خانواده‌های قشر متوسط، برای تأمین مایحتاج ازدواج فرزندان‌شان، روی این تسهیلات به‌طور ویژه حساب باز می‌کنند!

با این حال، مدیران شبکه بانکی همواره به بهانه «نبود اعتبار»، جوانان بسیاری را در نوبت دریافت تسهیلات ازدواج معطل می‌کنند؛ ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد بانک‌ها و موسسات اعتباری، فقط در سال ۱۴۰۲، بیش از ۹۱۵ همت، به کارکنان،

## کمبود منابع وام ازدواج؛ برساختی فریبنده! بانکی‌ها سرمصلحت شیرمالیدند!

مهدی محمدصادقی

مدیران و اعضای هیئت‌مدیره خود وام داده‌اند.

همچنین، شواهد آماری نشان می‌دهد که رقم موجودی منابع تسهیلات ازدواج، در بازه یکساله بیش از ۸۴۵ همت افزایش یافته؛ بر این اساس، رقم موجودی حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری شبکه بانکی تا پایان آبان ۱۴۰۳، بیش از ۳۰۸۹ همت اعلام شده است.

در این زمینه، طبق آمار بانک مرکزی حساب‌های جاری حداقل ۲۱۰۲ همت و حساب‌های پس‌انداز، بیش از ۹۸۷ همت موجودی دارد. در این خصوص، رقم مانده در حساب‌های جاری و پس‌انداز قرض‌الحسنه تا پایان آبان پارسال، به ترتیب ۱۶۳۷ و ۶۰۷ همت، بود.

علاوه بر این، قاعدتاً رقم وصول بازگشتی و اقساط پرداخت شده نیز باید جزء منابع وام ازدواج، به حساب آید؛ که البته بانک مرکزی، هیچ آمار و داده‌ای در این خصوص ارائه نمی‌دهد و وضعیت وصول بازگشتی کاملاً غیرشفاف و نامشخص محسوب می‌شود.

بنابراین، بهانه نبود منابع برای پرداخت به‌هنگام و فوری تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج، از نظر کارشناسی فاقد اعتبار و برساخت ایجاد شده از سوی بانکی‌ها است. زیرا اگر تعداد جوانان معطل در صف وام ازدواج را به صورت تقریبی ۵۰۰ هزار نفر برآورد کنیم؛ برای پرداخت این میزان تسهیلات با میانگین ۳۲۵ میلیون تومان، به کمتر از ۱۶۲ همت اعتبار نیاز است. یعنی ۵ درصد منابع موجود در حساب‌های جاری و پس‌انداز، یا در بدبینانه‌ترین سناریو، فقط ۱۲ درصد موجودی حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه مردم.



## ضررهای چند نرخ بودن ارزش حکومت باید تجارت را به مسیر اصلی خود بازگرداند

روشنعلی یکتا-سیدمرتضی قدمگاهی

روشنعلی یکتا با حضور در استودیوی پخش زنده برنامه گفتگوی اقتصادی با اعتقاد بر اینکه ناتوانی در کنترل نرخ ارز، قطعاً حرفی بیپوده است، گفت: این اتفاق به‌عمد می‌افتد. وی با طرح سؤالی سخنان خود را در راديو گفت‌وگو ادامه داد: قیمت کدام کالا به‌واقع کنترل شده است؟ آیا در نرخ‌گذاری‌های گوشت، روغن؛ برنج و... با تکنرخی روبه‌رو هستیم؟ بنده معتقدم امروز پدیده‌ای به نام تجار کاذب به وجود آمده و تاجرانی که با شرافت دست‌اندرکار بودند، کنار رفته‌اند.

نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و روسیه افزود: امروز افرادی، جانشین تجار واقعی شدند که اگر در بعد اقتصاد کلان از بین بروند، زبان‌های بزرگی خواهیم داد؛ نخست تراست‌های بانکی و دیگری کارت‌های یک‌بارمصرف هستند

یکتا ادامه داد: ارزی که امروز در چرخه اقتصاد و بازار می‌چرخد، کمتر از یک میلیارد است. از این‌رو نهاد حکومتی ما باید این دست‌ها را پاک کند تا تجارت به مسیر اصلی خود باز گردد. وی افزود: ارز کمتر از یک میلیارد مصرف می‌شود و رسوب شدن آن نیز کمتر از ۳۰ درصد است. اگر این روند ادامه یابد، به دوران قبل از سال ۹۶ باز می‌گردیم. تجار باید به کسب‌وکار خود باز گردند تا بازار تثبیت شود و به کسی هم فشار نیاید.

نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران و روسیه گفت: امروز یک بازار سیاه برای تراست‌های بانکی پدید آورده‌ایم که هر روز به‌سان قارچ رشد می‌کنند؛ بنابراین نتوانستیم این روند را مهار کرده و با چندنرخ، برای سفره مردم فکری کنیم!

### ضررهای چند نرخ بودن ارز

همچنین سیدمرتضی قدمگاهی، رئیس کمیسیون لجستیک و زنجیره تأمین خانه صمت جوانان ایران درباره چینی‌سازی تجاری اظهار کرد: یکی از چالش‌هایی که تجار، تولیدکننده و صادرکننده‌ها و نیز واردکنندگان با آن روبه‌رو هستند، چند نرخ بودن ارز است. این روال در دولت‌های مختلف بوده و هست و نمی‌توان گفت اخیراً ایجاد شده اما ضرر و زیان بسیاری برای تجارت ما دارد.

رئیس کمیسیون لجستیک و زنجیره تأمین خانه صمت جوانان ایران افزود: همه اقتصاددانان همواره عنوان کردند که اقتصاد باید تکنرخی شود و تأکید دارند بازار باید تعیین‌کننده نرخ دلار باشد؛ ولی عملاً تا امروز و در چند دولت گذشته شاهد چنین مسئله‌ای نبودیم. قدمگاهی ادامه داد: یکی از شعارهای پزشک‌پسندان نیز برچیده‌شدن ارز چندنرخ‌ی بود. وی ارز چندنرخ‌ی را موجب ناتوانی تجار برای برنامه‌ریزی اقتصادی دانست و افزود: هیچ کشوری چندین نرخ را برای ارز تعیین نکرده و نمی‌کند.

رئیس کمیسیون لجستیک و زنجیره تأمین خانه صمت جوانان ایران افزود: چندنرخ‌ی بودن ارز موجب رانت و فساد شده و تقاضای کاذبی را برای واردات ایجاد کرده است.



ضمناً براساس گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، تا تاریخ ۲۰ دی ۱۴۰۳، ۵۳۷ هزار فقره تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج به میزان ۱۷۹ همت پرداخت شده است. در حالی که طبق آمار این نهاد بانکی، سال گذشته تا همین تاریخ، ۶۵۸ هزار متقاضی، ۱۳۴ همت وام قرض‌الحسنه ازدواج دریافت کرده بودند. بنابراین، عملکرد شبکه بانکی از نظر تعداد تسهیلات پرداختی، امسال در مقایسه با مدت مشابه سال قبل (پارسال)، با کاهش عملکرد روبه‌رو شده است.

با این وجود، برای تحلیل دقیق‌تر وضعیت پرداخت تسهیلات ازدواج، ضرورت دارد تعداد متقاضیان در صف، به صورت ماهانه شفاف و روشن شود. موضوعی که علی‌رغم تأکید ماده ۶۸ (تبصره ۲) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، به یک‌باره از فهرست آمارهای بانکی، بانک مرکزی حذف گردیده است. امید می‌رود بانکی‌ها این موضوع را درک کنند که حمایت از ازدواج جوانان، اولویت و مصحتی ملی به شمار می‌آید و دود هرگونه کارشکنی در این مسیر، به چشم خانواده‌آنان نیز خواهد رفت!







## تأکید سازندگان بروحدهت ارتش و سپاه

نشست خبری فیلم سینمایی «صیاد» با حضور عوامل و بازیگران این اثر برگزار شد. در این نشست، کارگردان و تهیه‌کننده بر اهمیت وحدت ارتش و سپاه در نخستین سال‌های جنگ تحمیلی تأکید کردند و ساخت این فیلم را گامی در جهت آگاهی‌بخشی درباره نقش شهید صیاد شیرازی در دفاع مقدس دانستند. به گزارش روابط عمومی چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، بعدازظهر امروز، جمعه، ۱۱ بهمن‌ماه نخستین نشست خبری به فیلم «صیاد» اختصاص یافت که با اجرای اکبر نبوی و با حضور جواد افشار کارگردان، محمدرضا شفیعی تهیه‌کننده، خشایار موحدیان تدوینگر، علی سربابی، نادر سلیمانی، ایوب آقاخانی، محمدرضا هدایتی، رز رضوی بازیگران فیلم در برج میلاد سینمای رسانه‌ها برگزار شد.

محمدرضا شفیعی در ابتدای این نشست گفت: فیلم سینمایی «صیاد» بر اساس یک فیلم‌نامه سینمایی ساخته شده است و قصدی برای سرپای ساختن از روی آن وجود ندارد. در ابتدای کار، داستان فیلم‌نامه تا بیت‌المقدس پیش می‌رفت، اما به دلیل طولانی شدن زمان فیلم و نزدیک شدن آن به سه ساعت، از قصه کم و مدت‌زمان آن را کاهش دادیم و در نهایت فیلم به حدود ۱۱۰ دقیقه رسید.

جواد افشار درباره انتخاب مارال بنی‌آدم برای نقش همسر شهید صیاد شیرازی توضیح داد: مارال بنی‌آدم بازیگر بسیار خوبی است و حضور او در این نقش تأثیر مثبتی داشت. حتی خانواده شهید صیاد نیز در بازخوردهای اولیه از بازی او استقبال کردند که این، بزرگ‌ترین هدف ما بود. اینکه بازیگران بتوانند همدیگر را لمس کنند، جزو اهداف ثانویه ما بود که به انتخاب بازیگر کمک کرد؛ اما به هیچ‌وجه هدف اولیه ما نبود.

شفیعی گفت: موضوع شهید صیاد برای سال‌های طولانی دغدغه من بود. ساختن فیلم درباره چنین مضامینی، به‌ویژه اگر شخصیت اصلی آن یک فرد واقعی باشد، سختی‌های بسیاری دارد. تعدد دستگاه‌های فرهنگی گاهی به مانعی تبدیل می‌شود و قهرمانان را در چارچوب‌های محدود محصور می‌کند. فیلم «صیاد» تنها پنجره‌ای کوتاه به زندگی این شهید بزرگوار است. جریان حاکم بر محتوا گاهی شما را از پرداختن به چنین موضوعاتی باز می‌دارد و به سمت فیلم‌های کافهای سوق می‌دهد. ساختن چنین فیلم‌هایی کار ساده‌ای نیست و نزدیک به یک دهه تلاش لازم بود تا این فیلم به ثمر برسد.

افشار درباره صدای بازیگران گفت: امکانات هوش مصنوعی عوامل را وسوسه می‌کند تا از این ظرفیت استفاده کنند، اما این کار ریسک زیادی به دنبال دارد. ما تصور می‌کردیم استفاده از هوش مصنوعی به کار کمک می‌کند، بنابراین تصمیم گرفتیم از صدای موجود از شهید صیاد استفاده کنیم و صداها را به نسبت چهل به شصت روی هم سوار کنیم. باین‌حال، پس از پخش در سالن میلاد، به نظر می‌رسد که صدا نیاز به اصلاح دارد؛ هرچند شاید شرایط صوتی سالن نیز مطلوب نبوده است. باین وجود، اینکه دختر شهید صیاد به ما گفت صدای پدرم در من زنده شد، ارزشمند بود و باید دید که در خارج از جنبه فنی، چقدر تأثیرگذار خواهد بود.



خشایار موحدیان تدوینگر نیز گفت: برای این فیلم زحمت زیادی کشیده شده است و باید بررسی کنیم که آیا با تدوین بهتر، در نهایت فیلم ریتم مناسب‌تری خواهد داشت یا نه. محمدرضا هدایتی دیگر بازیگر فیلم نیز بیان کرد: امیدوارم این فیلم دیده شود و مخاطبان با آن ارتباط برقرار کنند، زیرا برای آن تلاش زیادی شده است. نگاه من ممکن است با نگاه سایر نقش‌ها متفاوت باشد، اما مهم این است که در فیلم‌نامه چه انتظاری از من بوده و چگونه توانسته‌ام آن را اجرا کنم.

رز رضوی نیز درباره نقش و حضورش در این فیلم توضیح داد: حضور در این فیلم برای من افتخار بزرگی بود. از طریق همکاری قبلی، موفق شدم این نقش را به دست بیاورم. پدر من جانباز و سرهنگ بازنشسته ارتش است. به همین دلیل همیشه شهیدان را دوست داشته‌ام و کار کردن درباره آن‌ها برایم ارزشمند است.

نادر سلیمانی نیز گفت: مهم کم یا زیاد بودن در کار نیست، مهم این است که چگونه در آن حضور داشته باشیم. ما در سنندج با عشق و دل کار کردیم. نمی‌توان گفت شخصیت‌ها تیپ هستند؛ من بعد از سال‌ها کار، اصول شخصیت‌شناسی را می‌دانم و این نظر را قبول ندارم.

ایوب آقاخانی بازیگر تأکید کرد: ساخت این فیلم با زحمت و فرسایش زیادی همراه بود و تنها آرزوی ما این است که مخاطبان از آن رضایت داشته باشند. من همیشه با افتخار به هر پروژه‌ای که آقای شفیعی در آن حضور دارد، پاسخ مثبت می‌دهم. این بار هم حضور جواد افشار مزید بر علت شد. یکی از مهم‌ترین وظایف فرهنگی، پرداخت به شخصیت‌های ملی است. نباید ترس از مصادره روایت باعث شود که از بعد روان‌شناسی شخصیت‌ها غافل شویم. باید لحظات حیاتی تاریخ کشور را به تصویر کشید و از تفسیر شخصی پرهیز کرد.

او در پایان افزود: آنچه در فیلم می‌بینید حاصل تلاش گروه تولید است که پای ساخت آن ایستاد. شاید در اکران، فیلم دستخوش تغییراتی شود، اما شهید صیاد، شخصیتی مظلوم بود که پیام وحدت را منتقل می‌کرد. ما امروز به همان اندازه که به پدافند ارتش نیاز داریم، به موشک‌های سپاه نیز نیازمندیم.



## «لاک‌پشت» به بخش ویژه فجر رسید

مصطفی قاسمیان

در حالی که طی روزهای اخیر، اخباری از احتمال حضور فیلم «لاک‌پشت» ساخته بهمن کامیار در بخش ویژه چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر شنیده می‌شد، حال این خبر تأیید شده است. نازنین بیاتی بازیگر این فیلم با بازنشر محتوای تبلیغاتی آن در صفحه شخصی‌اش این خبر را تأیید کرد.

«لاک‌پشت» که در تابستان و پاییز ۱۴۰۲ به تولید رسیده، از لحاظ سال ساخت، مشکلی برای حضور در بخش مسابقه اصلی جشنواره نداشت. با این حال به گفته محمود گبرلو عضو هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر، این فیلم از آثاری است که تاکنون به دلایل شرعی یا امنیتی در آرشو سازمان سینمایی باقی مانده. گبرلو در گفتگو با چارسو فرهنگ، همچنین از پیشنهاد هیئت انتخاب این رویداد برای نمایش «لاک‌پشت» و چند فیلم دیگر در بخش خارج از مسابقه جشنواره خبر داد.

بنابراین این فیلم بعد از مستند «فرشته‌ها نمی‌میرند» دومین فیلم حاضر در بخش ویژه چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر خواهد بود.

«لاک‌پشت» سومین فیلم بلند سینمایی بهمن کامیار در مقام کارگردان پس از «مرداد» و «در وجه حامل» است که به عنوان درامی روانشناسانه معرفی شده و از حضور نازنین بیاتی، فرهاد اصلانی، صابر ابر، هومن برق‌نورد، آریتا حاجیان، نازنین کریمی، علیرضا آقاخانی و جمشید گرگین به عنوان بازیگر بهره برده. پاییز سال گذشته، انتشار تصویری از نازنین بیاتی در این فیلم، با گرمی که شبیه به شخصیت «کروئلا» در فیلمی آمریکایی به همین نام بود توجهات زیادی را جلب کرد.

## بخش ویژه جشنواره، ویتترین سینمای ایران است



منوچهر شاهسواری درباره نمایش آثار توقیفی در سانس ویژه گفت:

بخش ویژه مربوط به فیلم‌هایی می‌شود که به دلایل گوناگون در قالب جشنواره نمی‌گنجد؛ مانند سال تولید اثر، حضور در جشنواره‌های دیگر، ممیزی و ... ما فکر می‌کنیم نمایش این دست از آثار که هم تنوع موضوعی و هم ساختاری دارند (مستند، داستانی، تجربی و ...) می‌تواند آینه تمام‌نمای سینمای ایران را در محضر شما اهل رسانه قرار دهد تا یک تحلیل وسیع داشته باشیم.

وقتی این آثار را می‌بینید در واقع نمونه‌ای از تمام موجودی‌های ما را در ویتترین جشنواره مشاهده می‌کنید. فرصت بررسی نقد نظر و تحلیل نسبت به مجموعه سینمای ایران با کمک شما فراهم می‌شود.

در حالی که شنیده می‌شد آثاری مثل «قاتل و وحشی» و «رکسانا» در بخش ویژه چهل و سومین جشنواره فیلم فجر حضور خواهند داشت، روز گذشته، نخستین محصول سینمایی حاضر در این بخش معرفی شد که تناسبی با اسامی مطرح‌شده ندارد. روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی، از حضور مستند سینمایی «فرشته‌ها نمی‌میرند» محصول جدید این بنیاد در بخش ویژه این جشنواره خبر داد.

## اگر سینمای رئال انیمیشن را جدی نگیرد از جریان سینمایی دنیا عقب می‌افتد

محمد خیراندیش-سحرخیزپور شیرازی

محمد خیراندیش، نویسنده و کارگردان حوزه انیمیشن با حضور در برنامه «گفتگوی فرهنگی» با موضوع جایگاه انیمیشن در چرخه اکران بیان داشت: مرزهای سینمای رئال و انیمیشن مرزهای قبلی نیست و انیمیشن خود را ثابت کرده و راه خویش را پیش می‌برد و محصولی شناخته شده است.

وی افزود: متأسفانه در کشور ما هنوز این رویکرد وجود ندارد که انیمیشن یک بعد جدی از سینماست و به‌عنوان فرزند سینما به انیمیشن نگاه نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان طفیلی نگاه می‌شود.

خیراندیش تصریح کرد: جایگاه انیمیشن در کشور ما در جایگاه میان‌های است و از نظر موفقیت‌ها، اکران، بین‌الملل، استقبال و اقبال عمومی و جایگاه مردمی جایگاه شایسته‌ای دارد و تولیدات انیمیشن جز چند مورد فروش برتر هر ساله هستند.

این کارگردان حوزه انیمیشن اذعان داشت: در حال حاضر در عرصه بین‌الملل هم برای انیمیشن کشور اتفاقات خوبی افتاده و آثار انیمیشن ما مانند «پسر دلفینی» در ۳۰ کشور اکران داشته و به بیش از ۱۲ زبان ترجمه شده و در کشورهای مهمی چون آمریکا انگلستان، روسیه و کشورهای عربی و کشورهای تازه‌استقلال یافته دیده شده است.

وی با بیان اینکه اگر دولت و سرمایه‌گذاران داخلی در حوزه انیمیشن سرمایه‌گذاری نکنند از سرمایه‌گذاران خارجی عقب می‌افتند اظهار داشت: یک شرکت ترکیه‌ای در تولید انیمیشن «پسر دلفینی ۲» سرمایه‌گذاری کرده است و این انیمیشن در جشنواره فیلم فجر اکران و اکران عمومی آن در عید نوروز خواهد بود.



خیراندیش با تأکید بر اینکه سینمای انیمیشن سینما پاک و مظلوم است اذعان داشت: انیمیشن بازار ثابت خود را دارد و مشتری دائم آن (نسل کودک و نوجوان) وجود دارد و در اکران باید جدی گرفته شود.

این کارگردان حوزه انیمیشن خاطر نشان کرد: در جشنواره فیلم فجر به انیمیشن ها ۸ سانس اختصاص داده شده ولی فیلم‌های رئال ۳۲ سانس نمایش دارند که ۴ برابر مردم بیشتری می‌توانند فیلم‌ها را ببینند و به این ترتیب انیمیشن‌ها سیم‌رغ مردمی را از دست داده‌اند.

سینمای انیمیشن با ایده‌آل فاصله دارد  
امیرحسین سحرخیز پور شیرازی تهیه‌کننده و کارگردان حوزه انیمیشن در ادامه این برنامه با بیان اینکه از زمانی که تولید انیمیشن سینمایی در کشور آغاز شده است زحمات زیادی برای آن کشیده شده است بیان داشت: درگذشته اکران سینمای انیمیشن شرایط سخت‌تری داشت، ولی امروز نیز با آنچه که ایده‌آل است و می‌تواند به سینمای ایران کمک کند فاصله دارد.

وی تصریح کرد: در حال حاضر کشورهای اطراف ما هیچ‌کدام ظرفیت تولید انیمیشن خارجی را ندارند و حتی مشتری این محصول هستند و برخی از کشورهای خارجی روی تولید انیمیشن ایرانی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

سحرخیز پور شیرازی اذعان داشت: تولیدات انیمیشن ایران به لحاظ تکنیک، رنگ و لعاب و موزیکال با کارهای خارجی قابل‌رقابت هستند.

این تهیه‌کننده و کارگردان حوزه انیمیشن ادامه داد: دامنه اقتصادی انیمیشن وسیع است و در مورد توسعه اقتصادی انیمیشن باید به کشورهای خارجی و نوع حمایتی که از انیمیشن‌ها می‌شود توجه کرد.

وی تصریح کرد: بایستی از حوزه انیمیشن حمایت‌هایی شود که می‌تواند فضای بازار انیمیشن را گسترده کند به‌خصوص سکوهایی که به دست انیمیشن ایران نیفتاده است.

سحرخیز پور شیرازی در ادامه با بیان اینکه به دلیل اینکه هیچ‌یک از تنه‌های سینما نمی‌رود و با خانواده به سینما می‌رود و تولیدات انیمیشن به همین جهت فروش‌های دو تا سه برابری دارند، در کشورهای خارجی از این حیث انیمیشن در اکران‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد که متأسفانه در ایران این اتفاق نمی‌افتد.

وی با بیان اینکه، این نگاه که انیمیشن برای کودک و نوجوان است درست نیست بیان داشت: انیمیشن یک تکنیک است و ممکن است ژانر وحشت و کمدی داشته باشد.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی  
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند  
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی  
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۰۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۳۱۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۰۲۵۱۸  
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵  
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI  
@ASREGANOON  
@ASREGANOON



## بزرگداشت سه هنرمند پیشکسوت در افتتاحیه فیلم فجر ۴۳

در ادامه مراسم افتتاحیه جشنواره سی و سوم فیلم فجر همزمان با شب میلاد سیروس الوند کلیپی از او پخش شد و فریدون جیرانی، جواد طوسی و ماهر الوند دختر وی به روی سن آمدند تا از او تجلیل کنند. پیش از هر چیز کلیپی پخش شد که سیروس الوند در آن خاطراتی از دوران کاری‌اش بیان کرد.

1

## تأکید سازندگان بروحدهت ارتش و سپاه

یکی از مهم‌ترین وظایف فرهنگی، پرداخت به شخصیت‌های ملی است. نباید ترس از مصادره روایت باعث شود که از بعد روان‌شناسی شخصیت‌ها غافل شویم. باید لحظات حیاتی تاریخ کشور را به تصویر کشید و از تفسیر شخصی پرهیز کرد.

7

## دندانمان را شمرده‌اند!

فریدون حسن



دلالتان بخواند می‌توان نمونه مثال زد. همین گاریدو، سرمربی سابق پرسپولیس با ۳۶ هزار دلار روی نیمکت الاتحاد لیبی نشست، اما قراردادش با پرسپولیس ۸۰۰ هزار دلار بود، یعنی حدود ۲۰ برابر، حالا هم منتظر هستیم تا برود شکایت کند و دمار از روزگار سرخ‌ها دریاورد. این ماجرای تکراری جلوی چشم نهادهای نظارتی و امنیتی در حال رخ دادن است. نهادهایی که انگار پول مردم و بیت‌المال برایشان کوچک‌ترین اهمیتی ندارد. بله، درست خوانده‌اید پول مردم و بیت‌المال، چون باید خیلی ساده‌لوح باشید اگر تصور کنید سرخابی‌های پایتخت خصوصی شده‌اند. این چه خصوصی شدنی است که وزیر نفت، هلدینگ خلیج فارس را بابت تملک استقلال زیر سؤال می‌برد یا پرسپولیس چگونه خصوصی شده وقتی مالکش جمعی از بانک‌های دولتی هستند

بگذریم، همه چشم‌هایشان را بسته‌اند از مسئولان فوتبال گرفته تا نهادهای ذی‌ربط، هیچ کس چیزی نمی‌گوید تا دلالتان بخواند می‌توان نمونه مثال زد. همین گاریدو، سرمربی سابق پرسپولیس با ۳۶ هزار دلار روی نیمکت الاتحاد لیبی نشست، اما قراردادش با پرسپولیس ۸۰۰ هزار دلار بود، یعنی حدود ۲۰ برابر، حالا هم منتظر هستیم تا برود شکایت کند و دمار از روزگار سرخ‌ها دریاورد. این ماجرای تکراری جلوی چشم نهادهای نظارتی و امنیتی در حال رخ دادن است. نهادهایی که انگار پول مردم و بیت‌المال برایشان کوچک‌ترین اهمیتی ندارد. بله، درست خوانده‌اید پول مردم و بیت‌المال، چون باید خیلی ساده‌لوح باشید اگر تصور کنید سرخابی‌های پایتخت خصوصی شده‌اند. این چه خصوصی شدنی است که وزیر نفت، هلدینگ خلیج فارس را بابت تملک استقلال زیر سؤال می‌برد یا پرسپولیس چگونه خصوصی شده وقتی مالکش جمعی از بانک‌های دولتی هستند

بگذریم، همه چشم‌هایشان را بسته‌اند از مسئولان فوتبال گرفته تا نهادهای ذی‌ربط، هیچ کس چیزی نمی‌گوید تا

## بازیکنان جوان ژاپن ۱۰۰ بازی بین‌المللی دارند



سرمربی تیم ملی فوتبال ایران: سیستم درستی برای شناسایی و پرورش استعدادها نداریم. همین موضوع باعث شده که بسیاری از استعدادها هدر بروند. ما حتی در تیم ملی هم دیده‌ایم که برخی بازیکنان تازه در ۲۷ سالگی فرصت بازی پیدا می‌کنند، در حالی که در کشورهای دیگر، مانند ژاپن، یک بازیکن در ۲۰ سالگی حداقل ۱۰۰ بازی بین‌المللی انجام داده است.

واقعیت این است که بازیکنان جوان در سایر کشورها تجربه بازی‌های بین‌المللی بیشتری دارند، در حالی که ما هنوز در این زمینه ضعف داریم. یک مثال برای شما بزنم. روزی پرسرم، هوتن، به من گفت: "بابا، من فوتبالیست خوبی می‌شوم؟ من به او گفتم: "اول سعی کن انسان خوبی برای جامعه باشی. دوم، مطمئن باش من برای تو به هیچکس زنگ نمی‌زنم. اگر قرار است فوتبالیست شوی، باید بر اساس توانایی‌هایت پیشرفت کنی. بعدها هم که یک برنامه‌ای درباره او ساخته شد، سر تمرین استقلال به من گفت: بابا، اجازه بده بروم، چون نمی‌خواهم باعث آزار تو شوم. در حالی که فوتبالیست بدی هم نبود.

## هر چه در تکواندو داریم از برکات انقلاب است



آرین سلیمی: هر چه در تکواندو داریم از برکات انقلاب است

دارنده مدال طلای المپیک ضمن تبریک فرار رسیدن ۴۶مین سالگرد پیروزی انقلاب گفت: بعد از انقلاب توجه ویژه‌ای به توسعه ورزش‌های مدال‌آوری چون تکواندو شده و همین حمایت‌ها باعث مدال‌آوری در این رشته بعد از انقلاب شد.

## در آرزوی آزادی آزادی!

دنیاچیدری



بازی آقایان فهرستی از آسیب‌های وارده به این مجموعه را لیست کنند، مانند آنچه که بعد از بازی پرسپولیس و تراکتور لیست شده است.

صدالبته که هیچ هواداری حق آسیب رساندن به هیچ ورزشگاهی را ندارد و تماشاگران باید با تمام وجود در حفظ و نگهداری تمامی مجموعه‌های ورزشی کشور که برای ساخت و بازسازی آن از جیب ملت هزینه می‌شود کوشا باشند، اما قرار هم نیست به دلیل بازسازی‌های انجام شده آقایان بعد از هر بازی با اعلام اعداد و ارقام هواداران را زیر سؤال ببرند. نصیبی با برآورد هزینه خسارت‌های به‌جامانده از بازی پرسپولیس - تراکتور (۱۰۰ میلیون تومان) تأکید دارد که حتی یک میلیون تومان خسارت هم خستگی را بر تن ما می‌گذارد، اما قرار نیست، چون ورزشگاهی برای بازسازی و تعمیرات هزینه می‌کند از فردا و بعد از هر بازی منت آن بر سر هواداران گذاشته شود، چراکه هزینه این تعمیرات به‌صورت غیرمستقیم از جیب همین هواداران است که پرداخت می‌شود. بی‌شک، اما تلخ‌تر از منتهی آن است که گویا قرار است زین پس گذاشته شود، زمانی است که آقایان

قرار بود آزادی بعد از چند ماه تعمیرات به صورت کامل در اختیار فوتبال قرار گیرد و تیم‌ها از آوارگی نجات پیدا کنند. زمانی که بارها و بارها تمدید شد و اگرچه سرانجام ظاهراً به پایان رسید، اما با توجه به صحبت‌های اخیر مدیر آزادی بیم آن می‌رود که بار دیگر از چرخه فوتبال کشور خارج شود، از آن جهت که نصیبی، مدیر این ورزشگاه صراحتاً می‌گوید میزبانی دربی ۱۰۵ بسته به نظر شورای تأمین است، درحالی که آزادی سال‌های سال است از بازی سرخابی‌های پایتخت میزبانی می‌کند. با توجه به این سابقه و تجربه جای سؤال دارد که چرا مدیر مجموعه آزادی باید میزبانی در دربی را منوط به نظر شورای تأمین بداند!

مسئله، اما پاس دادن برگزاری دربی در آزادی به شورای تأمین نیست، در واقع مسئله پیش کشیدن زمان احتمالی بازسازی آزادی است. بازسازی کاملی که به گفته نصیبی احتمالاً تا ۲۳ تا ۲۴ ماه به طول خواهد انجامید، یعنی دو سال تمام! البته آزادی ورزشگاهی نیست که بتوان به سرعت آن را بازسازی کرد، اما بسته بودن درهای آن به مدت دو سال به روی فوتبال و دوستدارانش می‌تواند مشکلاتی را که امسال به چشم دیده شد تشدید کند، خصوصاً اگر قرار باشد بعد از هر

بازگشت کامل و بی‌دغدغه به ورزشگاه آزادی گویا قرار است به تاریخ پیبوند یا آرزویی دست نیافتنی شود. ورزشگاهی که بعد از ماه‌ها در دست تعمیر بودن قرار است توسط بازرسان و ناظران کنفدراسیون فوتبال آسیا برانداز شود تا بار دیگر مسئولیت میزبانی نماینده‌های ایران در بازی‌های لیگ نخبگان و قهرمانان آسیا بر دوش آن گذاشته شود. اما بی‌تردید گرفتن تأییدیه‌های افسی هم نمی‌تواند تضمینی برای بازگشت کامل آن به چرخه فوتبال باشد. آزادی تا قبل از بازسازی با وجود خرده‌ایرادهای وارده، نمره قبولی می‌گرفت و بعید است بازرسان کنفدراسیون فوتبال آسیا حالا که دستی هم به سر و رویش کشیده شده و نواقصش برطرف شده از تأیید آن برای میزبانی رقابت‌های آسیایی سرباز بزنند.

اما گپ‌وگفت‌های این چند وقت اخیر نشان می‌دهد که با دریافت تأییدیه‌های افسی هم نمی‌توان خیلی امیدوار به بازگشت کامل این ورزشگاه به چرخه فوتبال کشور بود، چراکه با وجود بازگشایی نصفه و نیمه همچنان قبل از برگزاری هر بازی، اما و اگرهای بسیاری مطرح و شرط و شروطهای متعددی گذاشته می‌شود که از جمله آن می‌توان به محدودیت‌های اعمال شده برای حضور هواداران اشاره کرد. البته این هم تمام ماجرا نیست.

برای بازسازی کامل آزادی برآورد کرده‌اند. زمانی که تجربه ثابت کرده بارها و بارها تمدید خواهد شد و این یعنی آوارگی بیشتر فوتبال باشگاهی و ملی! اما کاش نتیجه تمام این صبوریه‌ها چیزی که باید باشد، یعنی آزادی آزادی از بند فرسودگی‌ها، وعده‌های بازسازی و تعمیرات بی‌پایان و نصفه و نیمه، نه اینکه آقایان هم زمان صرف کنند و هم سمبل کاری.